



پژوهشگاه جنبش معلمان

بخش اسناد

مجموعه شماره‌های نشریه صدای معلم
نشریه کانون مستقل معلمان چهارمحال و بختیاری

فروردین ۱۴۰۴

نشریه صدای معلم

شماره دوم

(بهمن ۱۳۵۸)

(نشریه کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری)

تاریخ انتشار:

بهمن ۱۳۵۸

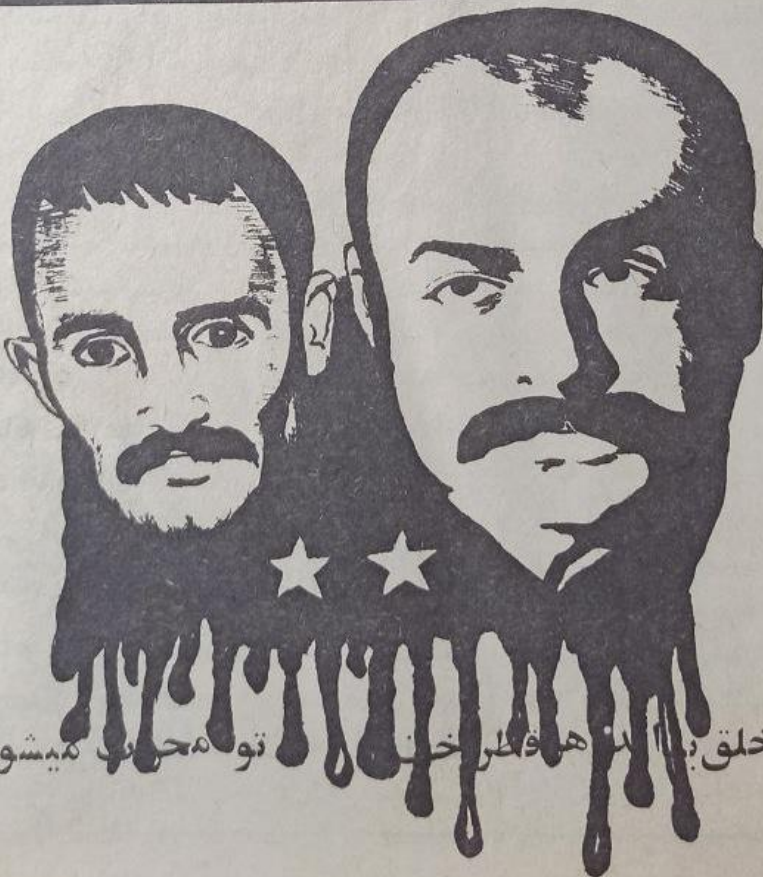
کانون
مستقل
معلمان

معلم

چهار محال و بختیاری

نشریه
شماره ۲

بهاء ۲۵ ریال



روزی که خلق بیا این هیولان خن را تو محراب میشود...!!

پژوهشگر
جنبش معلمان

فهرست

- سرمقاله
- در آستانه سال نو
- مبارزه انتخاباتی
- گزارشی از يك روستا
- نظرات، پیشنهادات، انتقادات و ... دانش آموزان
- نیما، شاعری از مردم
- مشکل مسکن معلمان
- نظام آموزشی و اشاعه فرهنگ امپریالیستی

سر مقاله

شکل گیری انقلاب و عملکرد آن در زمینه آموزش و

پرویش

تاکنون انقلابهای بسیاری در جهان روی داده است اما از آن میان انقلابی شاهد پیروزی راد راغب کشیده است که توانسته دگرگونیهای عمیق و بنیادین در همه زمینه های زندگی اقتصادی و اجتماعی جامعه خود پدید آورد و ضمن تأمین منافع توده ها و خلقهای محروم و ستمبرموجبات رشد و اعتلای کارگران و زحمتکشان را فراهم آورده و ارگانهای رهبری اجتماع را بدست پر توان آنان بسپارد.

انقلاب اخیر میهن مانیز بهمین منظور شروع شد. مردم برای واژگون کردن نظام ستم پیشه ای بپاخواستند که در طول ۳۰ سال حکومت جابرانه از میهن آنها راد رست در اختیار امیر - یالیست ها و سرکای د اخلیشان قرار داده بود و با ایجاد اختناق و ترور و و جشت در سرتاسر این مرزوبوم امنیت لازم و زمینه کاملاً - مساعدی برای چپاول و هرچه بیشتر و راحت تر این غارتگران - فراهم کرده بود. مردم به رای العین میدانیدند که میهنشان سرشار نعمت و ثروت است ولی آنها باید برای زنده ماندن جان بکنند تا لقمه ای نان بدست آورند. می دیدند که خارجیان بویژه آمریکاییان چه سان ثروت بیکران شان را غارت می کنند ولی اکثریت مردم از گرسنگی، سرما و گرما و بیماری بامرگ دست بگیرياند. آنان بخوبی دریافته بودند که رژیم ننگین و وابسته پهلوی ثروت و مقدرات وطنشان را به امپریالسم سپرده است بدین جهت مبارزه علیه امپریالسم راد ر مبارزه علیه رژیم خلاصه کردند و بحرکت ملیونی و سراسری خود جهت ضد

د یکتاتوری - ضد امپریالیستی دادند و با شعار مرگ بر شاه مرگ بر آمریکا انقلاب کردند. تا به یکتاتوری موجود خاتمه دهند. بساط عربی و طویل امپریالسم، این دشمن اصلی همه زحمتکشان جهان و ام الفساد را از صفحه ایران برچینند استقلال میهن و بالاخره حقوق دموکراتیک خود را بدست آورند. ولی میدانستند که رسیدن بچنین خواستهایی که کاریک گرو و دسته نیست بلکه مبارزه ای همه گیر و توده ای نیازاست و اتفاقاً اقتصاد و گروههای محروم هم حقوق و آزادیهای خود را در مبارزه علیه رژیم دیدند کارگران می دیدند که رژیم حاکم از سرمایه داری وابسته و کار - فرمایان دفاع میکند و کوچکترین توجهی بخواست و حقوق پایمال شده آنان ندارد، پس مبارزه برخاستند دهقانان فقیر زحمتکش می دیدند که نظام موجود در زیر نقاب تقسیم اراضی از منافع سرمایه داران - ماکد دفاع میکنند و چنان عرصه را بآنها تنگ گرفته که اکثراً مجبورند زمین کوچک خود را رها کرده بشهرها هجوم بیاورند و فعلگی و آوارگی در شهرها را به زندگی فلاکت بار روستاها ترجیح بدهند پس قیام کردند.

معلمان و دانش آموزان از آنجائیکه از حداقل امکانات زندگی محروم بودند و می دیدند که اندیشه و فکرشان در اسارت فرهنگ منحل امپریالیستی است و در زیر فشار و آموزشهای تلقینی و فرهنگ تحمیلی از تحولات فرهنگ ملی

وبالقدر خود تهر میشوند، پس مبارزه با رژیم کمربستند .
کارمند آن جز' ادارات و سازمانهای دولتی که خود شاهد
فساد حاکم براد ارت و زد و بند های کثیف روسای خود
و انواع و اقسام پارتی بازیها و بی عدالتی های دستگاه
بودند . برای رها کردن این بوروکراسی ضد مردمی نصف
مبارزان پیوستند .

پیشروان و صاحبان حرف و کسبه جز' که میدیدند رژیم
از صنایع وابسته و مونتاژ سرمایه داران وابسته دفاع میکنند
و نتیجتاً روز بروز آنها را به ورطه فقر نزدیک ترمی سازد
مغازه ها و کارگاههای خود را بسته و بر علیه رژیم قیام کردند
و بدینسان صف متحد خلق قهرمان ایران در مقابل نظام
حاکم و وابسته پهلوی ایجاد شد . مبارزین همچون امواج
اقیانوس متلاطم و خشمگین بحرکت آمدند و خواستار قطع نفوذ
اقتصادی - سیاسی - فرهنگی و نظامی امپریالیسم آمریکا
از ایران و سرنگونی نظام وابسته حاکم گردیدند و سرانجام
انقلاب شکوهمند خلقهای ایران در قیام خونین بهمن ماه
۱۳۵۷ تبلور یافت و منجر به سرنگونی یکی از خونخوارترین
رژیم های تاریخ جهان گردید .

مبارزه معلمان و دانش آموزان در این میان از موقعیت خاص
برخوردار بود . اینان مدرسه و کلاس را به سنگرمبارزه تبدیل
کرده و با تظاهرات خیابانی و اعتصابات پیر و دیر و گسترده
خود دشمن را گام به گام به عقب راندند و تا پیروزی قیام بهمن
ماه همچنان به پیش رفتند . حقوق و خواستهای اساسی
ملت و اقشار مختلف را در قطنامه های خود در نظر گرفته و خود
نیز خواستها و حقوق صنفی و فرهنگی را با آنها افزودند و بدینال
پیروزی قیام منتظر تحقق آنها شدند . اما از تحقق این
خواستها خبری نشد . دولت انقلاب بهر از آن گرفتار
بود .! که جواب به خواستهای مردم و معلمان بدهد .
انتظار بهایان رسید و اینک جای آنست که از مسئولین امرو
میراثخواران انقلاب میلیونهای ایرانی سؤال شود که آیا راهی
که در پیش گرفته اند شایسته انقلاب و مبارزات دلبیرانه ملت
ایران است ؟ میتواند جوابگوی خواستها و نیازهای اساسی
مردم که در شعارهایشان فریاد کردند نجات خون خود آید -

بستند ، باشد ؟ آیا با اصلاحات و اقداماتی که انجام گرفته و
بنیاد نگین میتوان انقلاب را مقصد رساند ؟ آیا با این همه
شعار شد امپریالیستی " قدم مثبتی در جهت قطع ریشه های
نفوذ اقتصادی - سیاسی - فرهنگی و نظامی امپریالیسم از
جامعه فلاکت زده ما برداشته شده است ؟

اکنون که یکسال از قیام خونین مردم قهرمان ما میگذرد
مروری اجمالی بر عملکرد مسئولان امرو میراثخواران انقلاب
توده ای و ملیونوی خلقهای میهنمان ، آنهم صرفاً در زمینه
آموز و پرورش ، روشن خواهد کرد که معلمان و دانش آموزان
از مبارزات بی امان و دلیرانه خود چه طفری بریسته اند ؟
و با و کلاً و قیام انقلاب چه جوابی به خواستها و حقوق اساسی
آنها داده اند ؟

اکنون اساسی ترین خواست معلمان و دانش آموزان
دگرگون شدن بنیاد فرهنگ استعماری و جان نشین کردن یک
سیستم صحیح آموزش و فرهنگ مردمی و دموکراتیک بجای آن
بود . برای این منظور مبارزه کردیم و یکسال هم از پیروزی تمام
پشت سر گذاشتیم ولی هیچگونه تغییری در سیستم غلط
و استعماری آموزش و پرورش داده نشده و اینک می پرسیم ..
آن دایه های دلسوز تر از مادر که بعد از قیام به قدرت خریدند
چه کرده اند ؟ آیا حزب نیست که فرهنگ هر جامعه ای دقیقاً
تابع سیاست موجود در جامعه است ؟ و حزب نیست که سیاست
موجود یعنی سیاست د ولت مردان لیبرال میانه خوشی با
امحا' فاصله طبقاتی ندارد ؟ و حزب نیست که تا ومانیکه
فاصله طبقاتی موجود باشد امکان استقرار فرهنگ مردمی
و بالنده نیست ؟ و حزب نیست که د ولتیان لیبرال نه می خواهند
و نه می توانند به خواست اصولی و مسلم توده های ملیونوی
مبنی بر محو فاصله طبقاتی و از بین بردن تبعیضات موهن و
ناروا که در تظاهرات با شکوهشان فریاد کرده اند . عمل
کنند و بانحا' و اشکال مختلف به تغییرات و انحراف آن می
کوشند ، پس چگونه انتظار تحقق خواستهای خود داریم ؟

هنوز کتابهای درسی با جزئی تمبیر سطحی همان کتابها ، با
محتوای استعماری و تحمیلی ، اینان به بهانه کمبود وقت از
تغییر محتوای کتابهای درسی طفره رفته در حالیکه تألیف و

کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری

حیوهای فکرمیکرد اجازه نمی داد که مدارس خصوصی حتی یکروزهم بکار خود ادامه دهند و اگر می بینیم در مورد تعطیلات نوروز چنین استدلالی ارائه میدهند در حقیقت عذرزد تراژیکانه آورده اند نه دلیل علمی و منطقی .

از مدارس خصوصی و خصوصیت وجودی آنها که بگذریم متوجه می شویم که در رژیم جمهوری اسلامی ایران هنوز مدارس آموزان فراوانی هستند که بخاطر فقر حاکم بر خانواده و عدم توانایی پرداخت مخارج تحصیل و ناتوانی از تأمین معیشت خود و خانواده مجبوره ترک تحصیل میشوند .

هنوز مملکت ماباکمبود مدرسه و معلم رویروست . و بسیاری از شهرها و بخشهای ایران ازند داشتن معلم و مدرسه رنج می برند در حالیکه هزاران فارغ التحصیل بیکار در کنار آنها از فشار بیکاری مجبور به راه پیمایی و تحصن میشوند . مسئولین نه تنها از کمبود معلم و مدرسه ملالی بخاطر تان راه ندارند بلکه معلمین شاغل و دلسوز را که سالها با رژیم گذشته مبارزه کرده و رنج زندان و شکنجه را بخود هموار نموده اند و در شرایط ناگوار و توانفرسا عاشقانه بکار خود ادامه داده اند اینک به عناوین واهی تبعید یا اخراج میکنند .

فضای آموزشی کشورمان که در رژیم سابق با فشار، سانسور و مداخله مستقیم و غیرمستقیم ساواک و عناصر ربر محیطی تنگ و خفقان آلود تبدیل شده بود . امروز هم باشکال مختلف میگویند آنرا بهمان صورت بازسازی کنند . نمونه این اقدامات بخشنامه که بمنظور جلوگیری از بحث های آزاد در مدارس صادر میشود و یا تحریکات و توطئه های یک تصویر گوناگون علیه معلمان مبارز و فعالی برای میانند ازند .

از تشکیل شوراهای مدارس و برقرار کردن نظام شورائی حتی المقدور جلوگیری می کنند یا آنرا از محتوای مردمی و دموکراتیکش تهی می سازند و باز هم از بد پریت و آئین نامه و بخشنامه های غلاط و شداد اداری و وزارتیه دم میزنند . کار لا اقل از بد پریت علمی سخن می گفتند ولی این بد پریت ، رستاخیزی و انتصابی است . باین معنی که نه تنها تغییریه در رشویه بد پریت نداده اند که گزینش انتصابی آنها بر مبنای روابط و وابستگیها است نه ضوابط صحیح و انسانی .

تدوین کتابهای درسی میتواندست توسط نمایندگان معلمان سراسر کشور و یا توجه به نیاز فرهنگی دانش آموزان ، بدانگونه که پاسخگوی رشد انقلابی آنان باشد صورت گیرد .

دولت انقلاب نه تنها در جهت پیشرفت آموزش و پرورش بر نداشت که حتی بودجه آموزش و پرورش را در سال ۲۳/۶ درصد نسبت به سال پیش کاهش داد . در حالیکه نیاز فرهنگی و انقلابی خلقهای مایحجاب میکرد که بودجه بیشتری بآموزش و پرورش انقلاب اختصاص داده شده و آموزش اجباری و رایگان برای تمامی فرزندان این آب و خاک عملی گردد . این عمل میتواندست در رابطه با فرمان امام خمینی مبنی بر بسیج عمومی برای سواد آموزی بشکل صحیح و موثر و گسترده ای جامعه عمل بیوشد و از طرفی نیروهای عاقل و واثق و فارغ التحصیلان بیکار را که در رستارایران و در تمامی شهرها و شهرستانها و بخشهای کشورمان پراکنده اند ، در امر سواد آموزی تجهیز کند و از سوی دیگر به بیسوادی ، این ضایعه استعماری که متأسفانه گو بیانگیر اکثریت مردم کشورمان است ، پایان بخشد مدارس خصوصی علیرغم خواست توده های زحمتکش مابقا

شده و در قلب جمهوری اسلامی و در کنار زندگانی فلاکت بار و محروم رنجبران میهنمان ، مدارس شیک و زیبای امکانات و وسائل رفاهی فراوان و دانش آموزانی اشرف مندر مشغول کارند . بچه های فقیر که اغلب باشکم گرسنه و بیای پیاده در رستمای سخت زمستانی بعد رسه میآیند چگونه میتوانند این تبعیض و فاصله عظیم را هضم کنند ؟ وزیر محترم آموزش و پرورش که برای کم کردن تعطیلات نوروزی استدلال میکنند که چون اغلب خانواده ها در نوروز بمسافرت و گردش میروند و تعطیلات نوروز را کم کردیم که دانش آموزان فقیر از اینکه نمیتوانند بمسافرت بروند ناراحت نشوند . این مورد را چگونه توجیه می کنند ؟

آیا وجدان اینان از اینکه دانش آموزان بی بضاعت که گرسنه و پیاده و لرزان در سوز سرما هر روز بعد رسه میروند و با چشمهای باز و معصوم خود بچه های ثروتمندان را می بینند که با سرویس یا اتومبیل خصوصی دم در مدرسه خصوصی پیاده میشوند ، ناراحت نمی شوند ؟ بدیهی است اگر وزیر محترم چنین

آموزش و پرورش هنوز از عناصر ساواکی و سرسپردگان رژیم پهلوی تصفیه نشده است و با اینکه تعداد دبیران آنها مشخص و آماده است معلوم نیست مسئولین امر چه دلیل ازافشای آنها لفره میروند عیوب و نواقص آموزش و پرورش در مملکت ما بسیار است و این اندکی بود از بسیار. بامید روزی که همه این نواقص مرتفع شود و آموزش و پرورش در مکرانیک و مردمی داشته باشیم بگونه ای که همه فرزندان این آب و خاک را متساویان رد امان خود پرورش دهد .



حماسه بیست و نهم

صبح هنگام ،

دستهای لرزان

قنداقهای سرد را سفت می چسبید

و آن طرف

گامهای استوار

سرود حماسه ای تابناک را سرداده بود :

« حماسه ایستاده مردن » !

*

فرزند خوب خلق

با رفیقی دیگر ایستاده بود :

« با شکوه و صلابتی آتش وار » !

*

سه دو و یک

آتش

بوی سرب می آمد .

عطر گل سرخ در هوا پیچید

سپیده بیست و نهم سرزد

و در آنجا ،

در آن برهوت

گل سرخی پیر پر شد احمد حسینی زاده

گسترده باد همکاری و همگامی تمامی نیروهای مبارز و انقلابی

کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری

در آستانه سال نو

شروع سال جدید فراموشی آفرین و امیدوارکننده بود
مراسم نوروزی امسال حال و هوای دیگری داشت.
ابتدال حاکم رساله‌های قبل، کمتر به چشم می‌خورد و جای
آن مرد مسفره‌های ساده عید شان را به سنگریز ریختند،
افشاگری و آگاه‌سازی یکدیگر تبدیل نمودند.
دید و باز دید های امسال کلا نمود ارتد او و گسترش
مبارزه ضد امپریالیستی در جامعه مان بود. مراسم نوروزی
امسال رند آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم زحمتکش
ماران شان داد که در جریان مبارزه ضد امپریالیستی سال -
گذشته کسب نموده بودند. و همه اینها در آستانه بهار نوید
تداوم مبارزه راعاق جامعه و کسب پیروزیهای بزرگ برای
انها می باشد.
دامنه این بحثهای سیاسی، افشاگریها و آگاه سازیها از
جلسات و ستانه خانه ها به خیابانها کشیده شد. از جمله
در شهر خود ما که خیابانها شور دیگری داشت.
در خیابانهای پررفت و آمد مردم و بخصوص جوانها جمع
می شدند و صداهای راجع به مسائل سیاسی به بحث می
پرداختند. بحثها از اتاقهای در بسته و محافل روشن
فکری به میان توده های مردم میرده شده بود. آنها در
خیابانها به هم دیگر آگاهی میدادند و از هم دیگر می
آموختند. خیابانها مد رسه شده بود مد رسه ای همگانی
که در آن هر کس هم معلم بود و هم شاگرد.

در این میان عناصری که همیشه و همه جا موجود بودند بر
ناآگاهی و جهل توده ها و برکناری آنها از مسائل سیاسی
استوار است از اینگونه اجتماعات و بحثها ناراحت بودند و سعی
میکردند به هر طریق جلوانها را بگیرند یا اینکه اثرات سالنهای
در بسته و یا مسیرهای انحرافی بکشند. البته بعضی
روشنفکران هم بودند که با وجود صداقت خود توان بیرون آمدن
از چهار چوب بحثهای روشنفکرانه را داشتند و غالباً با
پیر کردن مسائل پیچیده و ایدئولوژیست معادین را از این
بحثها کنار میزدند و چه بسا ردیده میزدند کارگریا کشاورزی
که با بهت و حیرت ناظر جد الهای این روشنفکران بود و از آن
چیزی نمی فهمید. البته تلاش و سعی همگانی برای جلو
گیری از درگیری و خشونت در این موارد بسیار امیدوارکننده
و نشانه رشد سیاسی و بلوغ فکری توده ها بود که در جو -
بان قیام و مبارزات خود کسب کرده بودند.
این جریانها را در آستانه سال نو فعال نیک بگیریم و
بکوشیم امسال هم مبارزه پر شکوه خلق را به پیش ببریم.

با وحدت و تشکل هر چه بیشتر مانع نفوذ
امپریالیست ها شویم

مبارزه انتخاباتی مجلس و بیسوادی

اکنون که ما معتقدیم نباید تمامی ریشه‌های گندیده‌ای که امپریالیسم جهانی بر بستران شکل گرفته است نابود کنیم بیسواد ی یکی از این ریشه‌هاست و اکنون ضرورت دارد که مدرسه، مسجد، مزرعه، را به سنگر مبارزه تبدیل کنیم و از این طریق آگاهی‌توده‌های زحمتکش را ارتقا دهیم و مسئولیت خطیر است که به عهده معلمان و دانش‌آموزان است



مبارزه انتخاباتی مجلس شورا چگونه برگزار شد . پس از چند روز جو و خروار که در شهرمان جریان داشت روز جمعه ۱۲/۲۴ / ۵۸ مردم دسته دسته به پای صندوق های رأی رفتند تا به کاندیدای مورد نظرشان رأی بدهند این اولین انتخاباتی بود که کلیه سازمانهای انقلابی و مترقی در آن شرکت داشتند . انتخابات با شور و هیجان خاصی برگزار شد .

اما یک مسئله بود و آن اینکه اکثریت مردم زحمتکش بیسواد بودند که تأسف هر فرد مسئولی را بر سر می‌انگیخت . بیسوادی عاملی بود که زحمتکشان ما بخصوص روستائیان نتوانند رأیشان را بنام کاندیدای مورد نظرشان بنویسند و به صندوق بیندازند . در روستاها مثل سابق سرنوشت مردم زحمتکش بیسواد بست کد خدا ، ثروتمندان و . . . بود . و روستائیان مجبور بودند ، رأیشان را به کاندیدای مورد نظر آنها بدهند . و این بود که ما مشاهده میکردیم در روستاها تقریباً تمامی آرا بنام یک نفر مشخص بود . . . این کد امین معلم مسئول و متعهدی است که آنروز چشم های بگود نشسته و گونه های استخوانی زحمتکشان را می‌نگرید . و از اینکه بیسواد بودند ، و نمیتوانستند هویت سیاسی خودشان شرکت کنند ، محکم و استوار بر نخیزد ، و برای باسواد کردن مردم زحمتکش پیگیرانه تلاش نکند . در هر کشوری که سرمایه داران زمام امور را بدست دارند ، توده‌ها را در جهل و بیسوادی ، بیخبری نگاه میدارد تا بتواند به این وسیله دسترنج آنها را غارت نماید .

آموزش اجباری و رایگان حق مسلم کودکان است

کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری

گزارشی از یک روستا



مر نشینیم، یکی از کشاورزان میگوید: آب رودخانه خیلی پائین است اگر میتوانستیم از آب رودخانه استفاده کنیم مشکل کم آبی زمینهایمان برطرف میشد. آن قسمت از زمینهای آبی را که هم که میشود روی آن کار کرد در رژیم گذشته که با اصطلاح اصلاحات ارضی کردند به مالکان بزرگ مثل یحیی خان و سعید خان و مجید خان بمتیاردادند، که آنها هم زمینها را با قیمت زیاد به خرده مالکان روستای دستن فروختند و هنوز که هنوز است دست از سر خرده مالکان برنداشته اند. بعد از انقلاب ما می گفتیم که وضع معلمان خوب میشود و تا بحال یکسال است که هیچ خبری نشده است. اگر دولت بها کمک تا زمینهایمان را آبی کنیم و تراکتور و و اختیاریان گذاشته، و ام، کود شیمیائی و بذر بدهد، میتوانیم کشاورزیمان را باز هم رونق دهیم. آب خوراکی مان هم از چشمه ایست که وسط ده قرار دارد و بخاطر آلوده بودنش بیشتر بچه همامان به بیماری زردی و

یکی از معلمان گزارشی از روستای سلم برای ما فرستاده که ضمن تشکر از آن همکار و کسانی که برای ما مطلب می فرستند تقاضا میکنیم نام کسانی که با آنها مصاحبه میکنند در گزارش بنویسند.

روستای سلم واقع در بخش کیار یکی از بخشهای جنوبی شهرکرد میباشد، که فاصله آن تا شهر ۴۵ کیلومتر است. سلم در پای کوهی بنام کوه سوخته و روبروی آن نیز کوه جهان بین قرار گرفته. از قسمت شمال این روستا رودخانه ای بنام گدارشا بطرف غرب در جریان است، جنوب و شرق روستا را نیز زمینهای دستن محدود میسازد و تنها جاده مورد استفاده این روستا همان جاده خاکی دستن سلم است. جمعیت روستا ۱۳۰ خانوار است که تعداد آنها ۱۱۰۰ نفر می باشد و اغلب آنها از راه کشاورزی و دامداری جزئی امرار معاش میکنند. به منظور اینکه با مردم سلم و مشکلات آنان آشنا شویم با چند تن از آنها گفتگو

معلم ۲

حالا که انقلاب شده وضع ما خیلی خوب میشه ولی تا حالا که هیچ فرقی نگرفته .

یکی از دانش آموزان میگوید : پدرم گفته دیکه نمیتونم خرجی تو را بد هم بری مدرسه ، خودم هم خیلی عاجز میشم تا به مدرسه برم برای اینکه ده خودمان مدرسه راهنمایی ندارد و باید هر روز صبح زود بپا ده ببریم . دستنای و مرتب این جاده گلی را باید بروم و بهیام . چند تا از همکلاسانهایم که دیگر مدرسه نمی آیند و توی صحرا به باباهاشان کمک می کنند ، منم شاید همین امسال را بیشتر نتوانم بعدرسه بروم ، دخترهامون که خیلی زور بزنند تا کلاس پنجم بیشتر نمیتوانند بعدرسه بروند . ولی راستی چرا ما نباید یک مدرسه درست حسابی داشته باشیم ؟ چرا وضع پدر و مادرمان اینقدر بد است ؟ چرا باید فقط چنج کلاس درس بخوانیم ؟

امرای پوستی دچار شده اند . دگتر هم که نداریم ، وضع راه هم آنقدر بد است که دسترس شهر و بیمارستان برایمان خیلی مشکل است ، باآنکه گلی شکایت کرده ایم ولی هنوز رسیدگی نشده است .

یکی از زنان قالیباف این روستا می گوید : از بسکه روی تخت قالی نشسته ام کمردرد گرفته ام ، چشمم پشت دستگاه سایه می رود و دائم سرگیجه دارم . من که خیوی از این زندگی ندیدم میترسم دختر شش ساله ام هم عاقبت مثل من بشه . با این درد سر و سرم قالی را می باقم ولی این ارباب ها هیچ عایدمان نمی کنند ، اول کار یک مایه دست به ما میدهند بعد هم هر چه که خواستند قالی را خودشان قیمت میکنند و فقط مزد ناچیزی بماند میدهند ، از اخوت هم که قالی ماشینو در آمده دیگر وضع قالی بومی بد تر شده . شوهرم با دو پسر هشت نه ساله تو مزرعه جان میکنند و دست آخر هم چیزی نداریم ، اینهم وضع خودم و دخترم ، ما گفتیم



زمین از آن کسانی است که روی آن کار میکنند

پژوهشگر
جنبش معلمان

کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری

نظرات، پیشنهادات، انتقادات و..... دانش آموزان

بچه های مدرسه ما چه میخواهند؟



رائشان داد که به هیچ وجه قابل مقایسه با مدرسه
مانبود بهار یا زمستان را در این مدرسه نمیشد تشخیص
داد بکمرته بیاد مدرسه خود مان و مدرسه های روستاها ایمان
افتادم که بایک ریزش برف یا باران بکلی ویران میگردد .
راستی مینا مگر چه فرقی بین ما و بچه های شهری آن
مدرسه ای که دست پروین در تلویزیون دیده بود وجود دارند ؟
من که خیلی دلم میخواهد روزی صاحب چنین مدرسه های
باشیم . آری خانم آموزگار .
مامی خواهیم وضع طوری باشد که مدرسه ما بجای اینکه
۸ متر از کف جاده گود تر است و بوی نم و گندیدگی آن فریاد هر
کس را بلند میکند در عوض فضای سبز و محیطی آزاد و
با نشاط درس بخوانیم که بوی عطر گل فضا را پر کنند .

چند روز پیش برف سنگینی بارید بود . حیاط مدرسه یکپارچه
پوشیده از برف بود برفها بتدریج آب میشوند و به زمین میریزند
و بی کلاسمان می نشست و چیزی هم نماند بود که آب در کف
کلاس جاری شود .

معلم به درس خود ادامه میدهد اما محصلین موضوع دیگری را
پرسی میکردند و مرتب حواسشان بیرون بود . آموزگار :
« مینا ، پروین ، صدیقه ، چه میگوئید سکوت میکنند با اصرار
میخواهد که بگویند چه میگویند ، پروین از جا برخاست
خانم معلم از دستم می پرسد و فکر میکنی که تمام مدرسه
کشور ما همین وضع ویران مدرسه ما را دارند ؟
د بیروز یکی از دوستانم که تلویزیون دارند از مدرسه ای که
در تلویزیون دیده بود برایم تعریف کرد گفت تلویزیون مدرسه ای

مامیخواهیم بجای اینکه موقع بازی در حیاط مدرسه تا بود رگل فرومیرویم مانند بچه های شهری در زمین چمن فضائی سبز بازی کنیم .

ماد و ست در اربم زمانی که هوا ابری میشود مانند بچه های شهری از آمدن برف و باران لذت ببریم و با شادی گلوله برفی بهم پرت کنیم نه اینکه از ابرین شدن آسمان رنگ از رخ معلم و محصل ببرد و چهارچشمی به سقف نگاه کنیم که سقف الان پائین می آید . وای چکه می کند و همچون بید بلرزیم .

نامه گرو هی از دانش آموزان مدرسه راهنمایی چلیچه

همه می دانیم که در جریان انقلاب شکوهمندمان دانش آموزان این قشروسیع انقلابی پیشاپیش مردم دست به قیام زده و از جان خود نیز دریغ نداشتند که باید گفت یکی از پایه های اصلی انقلاب به دست این قشروسیع بر قرار شد حال چه شده است که همان کسانی که به دست همین قشر بر سر کار آمدند به خواستهای برحق آنها جواب سر بالا می دهند نمونه آن مدرسه راهنمایی فردوس چلیچه میباشد که دانش آموزان این مدرسه دست به اعتصاب زده و خواسته های خود را بیان کردند و به آموزش و پرورش فارسان بحث میزدند اما عوض ترتیب اثر دادن به خواستهای برحق محصلان جوابهای سر بالا می دادند بچه های مدرسه فردوسی خواسته هایشان شرح زیر می باشد : ۱- میزونیکت ۲- آب آشامیدنی ۳- شیشه ۴- معلم علوم ۵- معلم راهنما ۶- معلم ورزش ۷- معلم ادبیات ۸- سرویس یا یکنواخت کردن کارمدرسه

(چون تعداد ۳۰ نفر از ده اطراف به این مدرسه می آیند در سرمای زمستان باید یا کارمدرسه یکنواخت شود یا یک سرویس برای آنها بفرستند) ۹- آزمایشگاه ۱۰- برای یاد گرفتن طرز صحیح برق کشی و مکانیک ۱۱- بخاری . وقتی که این خواسته ها بدست رئیس آموزش و پرورش می رسد خیلی عصبانی شده و گفت که ما وسایل را اختیار نداریم آیا کمبود معلم هست در حالی که ما می بینیم خیلی از فوق دیپلمها - لیسانسها - دیپلمها - بیکار هستند آیا نمی شد با حق تدریس دادن به این معلمها آنها را بر سر کلاس درس حاضر کرد آیا یاد آن چند مترسیم و د وعد تخته و یک دستگاه ساده مکانیک به این مدرسه آموزش و پرورش ضرر می کرد بعد از چند روز از این واقعه رئیس آموزش و پرورش عوض شد و جای خود را به آقای نیک خواه داد و وقتی که دوباره سر و صدای بچه ها بلند شد نیک خواه با چند نفر از روحانیان آمدند به مدرسه و بچه ها را جمع کردند و چند نفر از اولیا بچه ها آمدند و روحانیون شروع به موعظه کردند و می خواستند خواسته های بچه ها را به چیزی غیر ممکن جلوه دهند ولی یکی از بچه ها به نمایندگی از بلند شد و گفت آقایان ما میزونیکت و معلم و کارگاه می خواهیم نه موعظه بعد از این واقعه دوباره بچه ها نامه نوشتند . آقای نیک خواه نامه را پاره کرد و می گوید هر جامی خواهید برپید ما چیزی به شما نمی دهیم ما از آنها سؤال می کنیم این هست جواب به خواسته های برحق دانش آموزان ما از آنها سؤال می کنیم این هست نتیجه مبارزات حق طلبانه دانش آموزان ما از آنها سؤال می کنیم داشتن معلم و نیکت و آزمایشگاه حق مسلم دانش آموزان نیست ؟

برای چندمین بار بچه ها قصد نامه نوشتن به آموزش و پرورش

کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری

دارند، که مسائل و مشکلات آموزشی چیزی نیست که سوسری گرفته شود و در این مورد مصرا نه میخواهند که اقدام شود.

نامه يك دانش آموز

دیشب پدرم که از مسجد به خانه آمد با عصبانیت سر من داد زد و گفت: «میگویند این کتابهای چپی ها را بخوان، برای اینکه این کتابها مثل شیطان آدم را از راه بدر میکند و مرا تهدید کرد که اگر از این کتابها بخوانی، ترا از خانه بیرون میکنم».

من خیلی رعایت حال پدرم را میکردم که مباد از دست من دلگیر شوند، ولی از اینکه گاهی پدرم از کوره در میبرد و عصبانی می شود خیلی ناراحت هستم.

من برای اینکه بتوانم علاوه بر درسهایم از این کتابها نیز بخوانم و پدرم را ناراحت نکنم برای خودم برنامه گذاشته بودم روزها که از مدرسه میام تا غروب به پدرم رفاه می دهم که در خانه همیشه سعی میکرد که مباد از رفتن از من سر بزنند که مادر را آزرده کند. وبعد شبها در خواب میخواندم و آخر شب را نیز به مطالعه کتابهای غیر درسی اختصاص داده بودم.

من استیاق زیادی به این کتابها پیدا کردم زیرا آنچه که در این کتابها نوشته است درست مثل زندگی خودمان است و وقتی که من از این کتابها میخوانم چهره شکسته و رنج کننده پدرم در روبروستان استخوانی مادرم که بر اثر قالی بافی ریز ریز شده است و انگشتان کوچک خواهرم که برای کمک به مادرم قالیبافی میکند زیر چشمم قرار می بندد و از اینکه چرا پدرم خیلی عصبانی در مورد خواندن کتابها اینقدر ربا نهاده است و چه کسی او را به دشمنی با این کتابها و امیدارد و چرا؟ برای من سوال است که امیدوارم دلیل آنها را نیز در همین کتابها پیدا کنم.

بهر حال جریان دیشب را میگویم و وقتی که پدرم پدرم را خیلی عصبانی است. برای اینکه ناوحت نشود نیمه شب وقتی که همه بخواب رفته بودند، من بیدار شدم و یک دانه شمع روشن کردم و شروع به خواندن کتاب نمودم و از بخت پدرم بیدار شد، و همان شب با کمر بند به شدت کتکم زد کتابهایم را پاره پاره کرد کتکهای پدرم اثری در من ایجاد نکرد تازه مرا محکمتر نمود ولی پاره کردن کتابهایم دلم را به درد آورد و با بخش شب را تا صبح بسر بردم و متب در فکر این بودم که برنامه بهتری برای کتاب خواندن در نظر بگیرم ولی هرگز من کسانی که پدرم را تحریک میکنند و پیرمرد را آزار میدهند نخواهم بخشید.

خصوصیات يك معلم انقلابی

دانش آموزان عزیز اتفاقی که برای من پیش آمد، برایتان مینویسم.

من دانش آموز کلاس پنجم ابتدایی دبستان کوشش فرخ شهر هستم. دو ماه به آخر سال تحصیلی مانده و معلوم نیست چگونه معلم ما شغل معلمی را رها می کند و کتابدار کتابخانه مدرسه دیگری می شود. روز دوشنبه ۵۹/۱/۱۸ معلم جدید وارد کلاس شد. زنگ اول درس خواندیم، زنگ دوم فارسی داشتیم یکی از دانش آموزان پرسید که آقا چپی و جنبش یعنی چه؟ معلم جدید بنام آقای... که قبلاً نماینده آموزش و پرورش بود گفت بگذارید اول اسمتان را ببرم تا بعد شرح بدهم. از

شوراهای واقعی را در مدارس برپا کنیم

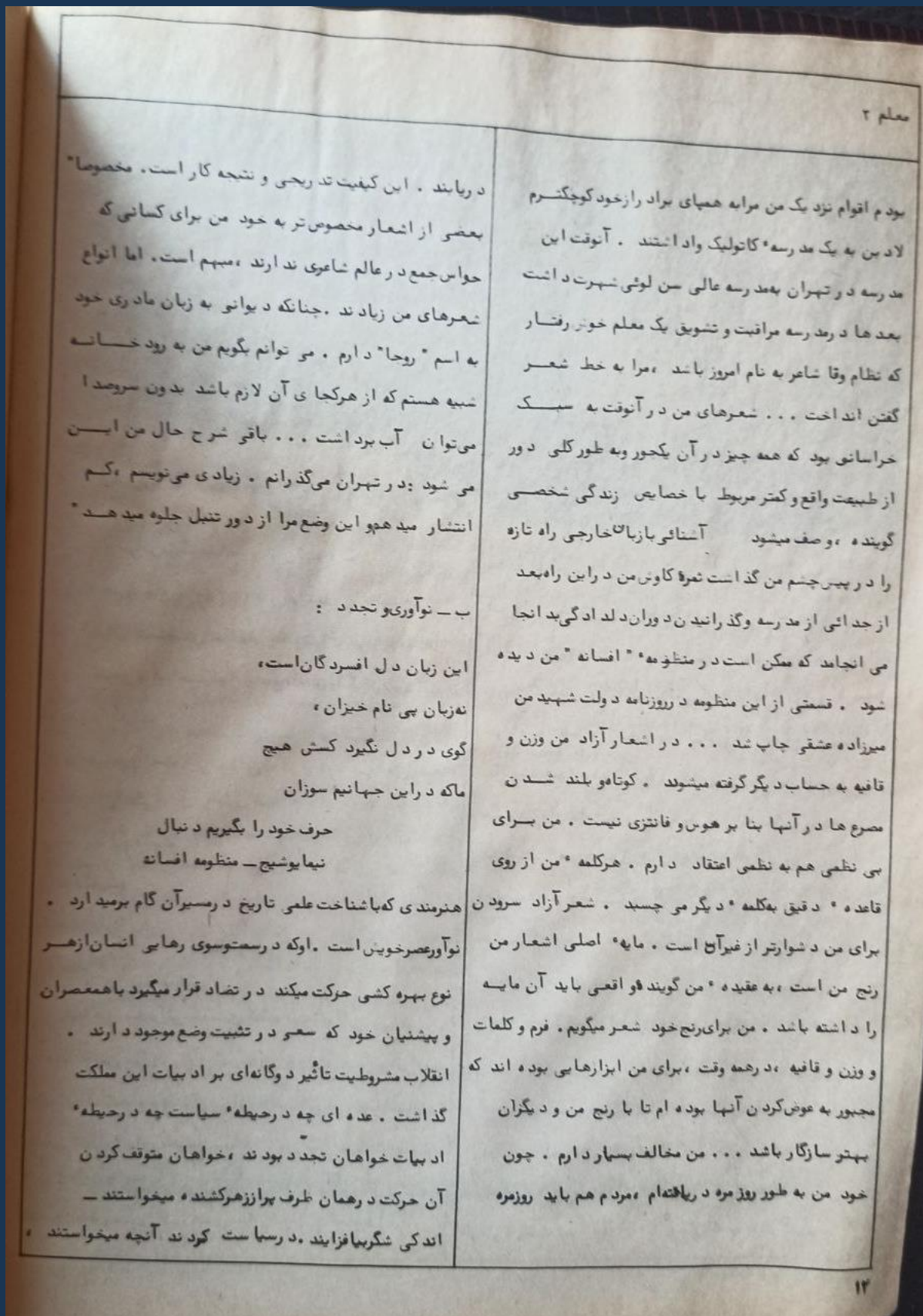
تعریف کردم و از او پرسیدم چرا یک معلم باید چنین رفتاری داشته باشد؟ مومین در جواب به من گفت این جور افراد کار ساواک را انجام میدهند. روز بعد میخواستم به مدرسه بروم، چون گفتم باز هم شعار و حمله است ولی مومین گفت برو من امروز می آیم مدرسه بینم موضوع چه بوده. وقتی مومین بعد رسه آمد مرا به دفتر بردند و آقای معاون بمن گفت اتفاق دیروز را بگو، اتفاقی که افتاده بود گفتم گفتگوهای بین عمومی من و معلمان و دیگر معلمان مدرسه شد و معلم ما اقرار کرد که اشتباه کرده و قوار شد که در

کلاس بگوید که او و دانش آموزانی که بمن حمله کرده اشتباه کرده اند. اینها را گفت ولی دومرتبه باز شروع کرد به تهدید که این رفته عمویش را برای من آورده، من از هیچ کس نمی ترسم. من اعتراض کردم در جواب من گفت پرویشی نکن.

حالا من قضاوت را به عهده شما محصلین می گذارم که این جریان را خوانده اید و آنهایی که شاهد این جریان بودند که چطور معلم وقت ما را با طرح کردن اسم تو چیست؟ مرام تو چیست؟ و حادثه آفریدن تمام کرد با توجه به اینکه ما دانش آموزان کلاس پنجم باید امتحان نهایی بدیم. جالب اینکه این معلم همان روز به ما موضوع انشا (خصوصاً یک معلم انقلابی چیست و چطور باید باشد) داد. من از شما دانش آموزان و معلمان آگاه سؤال میکنم آیا این است خصوصیات یک معلم انقلابی؟ یا اینکه معلم انقلابی کسی است که وقت کلاس را با تهدید و تحریک به پایان رساند؟

اول میز شروع کرد تا به من رسید پرسید است چیست؟ من اسم و فامیل خود را گفتم، او دو مرتبه گفت اسم پدرت چیست؟ موقعی که من جواب دادم او گفت که عموی تو کمونیست است من جوابی ندادم، یکی از شاگردان گفت آقا خودن هم کمونیست است. ساعت دوم که باید معلم درس میداد به همین ترتیب گذشت، زنگ راحت سرو صدای تعدادی از بچه های تحریک شده بلند شد، یکی از آنها با صدای بلند گفت: ما سوار کمونیست میشویم، این شعار را خیلی از شاگردان تحریک شده دیگر گفتند و یکی از آنها بطرف من حمله آورد و گفت این کمونیست است باید او را بکشیم، دیگری گفت باید او را بیرون کنیم و در همین موقع معاون از دفتر بیرون آمد و ما را بردند پشت دفتر و بچه ها هر کدام از نزدیک چیزی می گفتند و رد می شدند تا اینکه زنگ ساعت سوم زده شد. معاون به من گفت از این کارها نباید بکنید و اجازه داد که به کلاس برویم معلم وارد کلاس شد، من از او اجازه گرفتم و گفتم آقا چرا اسم عمومی مرا آوردی، ما نباید وقت کلاس را با این سئوالات تلف کنیم، شما میتوانید به خود عمومی من بگوئید نه اینکه این سؤال را سر کلاس درس بگوئید که عده ای بمن حمله کنند، در جواب گفت: من شوخی کردم و باز این زنگ را با صحبت تمام کرد و زنگ چهارم را نیز با گفتن قصه و دادن دو موضوع انشا به پایان رساندم. موضوع بهمین جا پایان نیافت زنگ زده شد، من خیلی ناراحت بودم در خیابان باز حمله و شعار شروع شد ولی من چیزی نگفتم و به خانه آمدم، آنقدر ناراحت بودم که نتوانستم غذای ظهر خود را بخورم. جریان را برای مومین

تفتیش عقاید در مدارس باید متوقف شود



کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری

و اصل علمی است که هیچ چیز نتیجه خودش نیست بلکه نتیجه خودش باد بگران است.
هنر همراه با سایر اجزا* روپنائی (سیاست مذهب و...) ایدئولوژی زمان رامی سازد، و باد رنظر گرفتن رابطه* تنگاتنگ زیربنای روپنا و تأثیر هنر همچون جزئی از روپنا بر زیربناست که اهمیت نوآوری نیما مشخص میشود. نیما نگاهی نو به زندگی و انسانها داشت، نگاهی متکی بر منطق مادی به همین دلیل با مسائل برخورد تازه ای داشت و تلاش شبانه روزی او در جهت یافتن بیان تازه ای در شعر فارسی بود. شعرش که بعد از حافظ در رگنداب عادت و تکرار افتاده بود توسط نیما دوباره زنده شد و در متن زندگی به حرکت درآمد.

ج - نمونه اشعار :

از کتاب مآخ اول .
این شعر نیما تصویری است نیرومند و در دناک از پست روستای ایـــــران .
باد میگردد و در باز و جراغست خـــــور
خانه ها یکسره خالی شده در دهکده اند
رهسپاری که به پل داشت گذر مـــــی ایستد
زنی از چشم سرشگ
مرد و از روی جبین ، خون جبین مـــــی سترد
و اگر سؤال شود .
چـــــو چنین است ؟

نیما در همین شعر جواب میدهد .
پای تا سرشکان ، تا شیشان
شاد و اسان گـــــذرد .

که تلاشها همه در جهت توقف ادامه حرکت بود .
در ادبیات نیز ادبیان مدیحه سرادر
همان قالب های کهنه غزل و قصیده سخن از رنج مردم
گفتند و ظلم حکام . تجدید طلبان ادبی خواسته و ناخواسته
در سمت تثبیت بنیم طبقاتی موجود حرکت میکردند و با حسن
نیت تریشان ، کسانی بودند که حرکت تاریخ را نمیدیدند
امروز را میدیدند ، و فردا را همان گونه میدیدند که امروز هست
نیما یوشیج در آن بازار گرم تجدید طلبی نوآوری کرد
با مشخص کردن مرز بین تجدید طلبی و نوآوری است که میبینیم
تمام مدعیان دیگر نوآوری و تمام آن کسانی که ادعای آغازگری
معرفی در تاریخ ادبیات معاصر دارند تجدید طلبانی بودند
که گمان میکردند با آوردن کلماتی تازه در شعرو سخن گفتن
از مسائل تازه و در نهایت کمی کوتاه و بلند کردن مصرعها
نوآوری کرده اند . در حالیکه نیما یوشیج اولین کسی بود
که با شناخت و تحلیل علمی جامعه نوآوری در شعر فارسی را
باز و تلا آغاز کرد ، نیما یوشیج در راهی گام نهاد که راه
مختوم تاریخ است . نیما برخلاف اصلاح طلبان سیاسی و تجدید
طلبان ادبی آن روزگار در سمت جامعه ای متفاوت با
جامعه طبقاتی مسلط حرکت میکرد . با ویران کردن
دوباره های تحجر به زمانه نو با مسائل نو میگریست
و این مسائل نو بیانی نو میخواست تا با آن بیامیزد .
او رابطه دیاکتیکی بین فرم و محتوا را میدانست .
فرمی که بر محتوا تأثیر میگذارد و محتوایی که بر فرم و
حاصل که کار هنری است . میدانست که فرم و محتوا و جزئی
است که یک جزیه نیست و دوجز غیر قابل انفکاک . او در
" حرفهای همسایه " مینویسد : " این فکر از منطق مادی گرفته ام

آهنگر

درد رون تنگنا، با کوره‌اش آهنگر فوتوت

دست او بر پتک

و به فرمان عروقت دست

دائما "فریاد او اینست، و اینست فریاد تلاش او:

کی به دست من

آهن من گرم خواهد شد

و من او را نرم خواهم دید ؟

آهن سرسخت

قد برآور باز شو، از هم دوتا شو،

با خیال من یکی تر زندگانی کن

از مجموعه مآخ اول شعر "داروگ"

خشک آمد کشتگاه من

د رجوارکشت همسایه

گرچه می گویند: "می گیرند روی ساحل نزد یک

سوگواران در میان سوگواران ."

قاصد روزان ابری، داروگ! کی می رسد

باران ؟

xxx

برساطی که بساطی نیست ،

درد رون کومه* تاریک من که ذره‌ای با آن نشاطی

نیست

وجدارنده های تو به دیواراتاقم دارد از

خشکیر می ترکد

چون دل یاران که در هجران یاران ،

قاصد روزان ابری داروگ! کی می رسد

باران

د- کتابشناسی: آنچه از نیمایوشیج تاکنون چاپ شده

است که مشتمل است بر شعر، داستان، مقالات و نامه‌ها

بدین شرح است :

۱- شعر: نمونه هایی از شعر تنیما، مآخ اول، شعر من

ناقوس، شهر شب و شهر صبح، فریاد های دیگرو

عنکبوت رنگ، آب در خوابیگه مورچگان افسانه و -

رباعیات، مانیلو و خانه، سر پیلی، حکایات و خانواده

سرباز - قلم انداز

۲- داستان: کند و های شکسته - مرقد آقا

۳- مقالات و نامه‌ها: تعریف و تبصره و یادداشت های

دیگر، نامه های نیما به همسرش، کشتی و طوفان،

ارزش احساسات و مقاله دیگر، حرف های همسایه،

ستاره ای در زمین .

کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری

مشکل مسکن معلمان

طبق گزارشاتی که از مسائل و مشکلات فرهنگیان استان به این کانون رسیده مهمترین مسئله مشکل مسکن میباشد. بارها مشاهده شده که اکثر فرهنگیان در پی تأمین مسکن از این سو به آن سو سرگردانند و در مرتبه دست به دامان بانکها شده اند. که از هر راهی که شده وامی بگیرند و این طرف و آن طرف دنبال مسکن بگردند. چرا که مجبورند مالاخره مأوائی داشته باشند آقای رئیس جمهور در سخنرانی شان، در جلسه شورای پیکری و ارزیابی می گویند: به معلم باید حق سفید داد تا خیال راحت باشد (اطلاعات چهارشنبه ۲۲ اسفند ماه ۱۳۵۸ شماره ۹۷-۱۶) ولی اکثریت فرهنگیان غریب و زحمتکش می پرسند، تا کتون چه اقدامی برای تأمین امکانات رفاهی ما شده است، مرتب چت سفید امضا در گوشتمان زنگ می زند، ولی از ابتدائی ترین خواسته هایمان که داشتن یک خانه محقر و ساده است محرومیم. رسیدگی به خواسته های اقتصادی فرهنگیان و تأمین یک زندگی مناسب برای آنان مسئله ایست که همیشه از طرف

رژیم های حاکم به فراموشی سپرده شده بود. چرا که یکی از طرق رشد فرهنگ استعماری آن است که معلم را در بند مشکلات مالی نگاه دارند تا فرصت توجه به مسائل سیاسی و اجتماعی را نداشته باشد. معلمی که برای تأمین احتیاجات زندگی ناچار است از صبح تا شام کار کند، چگونه میتواند به رشد آگاهی سیاسی خویر و انتقال آن به دانش آموزان بپردازد؟ و به این ترتیب تأمین کلیه امکانات رفاهی زندگی از جمله تهیه مسکن وظیفه اولیه وزارت آموزش و پرورش است. ولی تاکنون کدام اقدامات و کدام برنامه ها را برای فراهم کردن امکانات رفاهی کارکنان خویر بعمل آورده است؟ همانگونه که ما فرهنگیان تمام توان خویر را صرف خدمت آموزشی می نمائیم، در قبال انجام چنین وظیفه ای طبیعی ترین خواست ما تأمین نیازهای زندگیمان از جمله تأمین مسکن از طرف وزارت آموزش و پرورش میباشد و لازم است که این وزارت خانه عرصه سریعتر و قاطعانه تر توجه خویر را به رفع این نیاز مبذول دارد.



بیاد معلم شهید هرمز گرجی بیانی

بیاد معلم شهید هرمز گرجی بیانی

هرمز

مگر آنها نمی دانستند ؟

نه نمی دانستند .

و تو را ندانسته به میدان تیر بردند

به خیال آنها تو رقتی

اما نه

من همین امروز هزار هزار شمردم

هزار هرمز که از هر قطره خون بپا خاستند .

مگر آنها نمیدانستند

که تو چقدر بزرگی

به بزرگی دریا

که چقدر مقاومی

به مقاومت دماوند

مگر نمیدانستند

که تو چقدر مقدسی

به مقدسی پرچم سرخمان

مگر نمیدانستند

مرگ تو

زندگی هزار هرمز دیگر است

هرمز هائمی که همه

پیرهن سرخ تو را به تن دارند .

از مینو دانش آموز دبیرستان نوربخس

پائیز ۵۸



کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری

نظام آموزشی و اشاعه فرهنگ امپریالیستی

در جهت اشاعه فرهنگ امپریالیستی بود رژیم میخواست که در دانشکده‌های پزشکی فقط پزشک تاجر پرورش یابد. رژیم در دانشکده‌های حقوق را برای این میخواست که در آنها مشاورین حقوقی جهت شرکت‌های وابسته تربیت شوند. وقتی رژیم دم از هنر و حمایت از آن می‌زد، منظور هنر خلاق مردمی که بیانگر احساسات و عواطف و آرمانهای توده‌ها باشد و آنها را به شور و حرکت وادارد، نبود. هنر مورد نظر رژیم ارائه انحطاط و ابتذال مثنی درباری فاسد و سرمایه‌دار وابسته بود. همینطور تاریخ مورد نظر او، داستانسرایی‌های دروغین در مورد پادشاهان و جباران ستبرگر و لوٹ کردن نقش دوران ساز توده‌ها بود.

رژیم برای رسیدن به این نیت شوم خود، تمامی امکانات را به خدمت گرفته بود و البته دانشجویان هرگز زیر بار این برنامه‌های تحمیلی استعماری نرفتند و دانشگاه را به کانون مبارزه بر علیه رژیم تبدیل نمودند. جنبش دانشجویی در اوج اختناق و دیکتاتوری هرگز از مبارزه و افشاکاری باز نماند و از دل آن مبارزان حماسه جو پدید آمدند که خاطره فداکاریهای آنها هنوز الهامبخش توده‌ها در مبارزه ضد امپریالیستی است. (شرح مبارزات دانشجویی در آلمان در این مقال ممکن نیست).

در اینجا می‌خواهیم نقشه‌های شوم رژیم را در مورد آموزش ابتدائی و متوسطه مان هم دست‌کم از آموزشی که در دانشگاه اجرا میشد، داشت. در دبیرستانها کتابهای انقلاب سفید و مأموریت برای وطن به زور به دانش‌آموزان تحمیل میشد. تا از آن طریق شاید بسیاری داستانهای مسخره مانند ارتباط شاه با غیب را باور کنند. با اضافه انبوهی فرمولها و مطالب جامد و مرده که بازنگری و تولید، کوچکترین ارتباطی نداشتند. در دبیرستانها همزمان با آموزش

با نگاهی به عملکرد مدارس و دانشگاهها در رژیم گذشته به وضوح می‌بینیم که هدف نهائی آموزش و پرورش نه بارور کردن فرهنگ ملی و نه در جهت خود کفائی مملکت از کارشناسان و مدیران، بلکه دقیقاً در جهت منافع امپریالیستها بخاطر اداره راحت و بی درد سرتر صنایع وابسته در جهت توجیه وضع موجود بود.

امپریالیستها از طریق سرمایه داران وابسته تمام نهاد های اقتصادی، سلسله و فرهنگی کشور ما را قبضه کردند و با اختیار گرفتن آنها به چپاول منابع و مواد خام حیاتی کشورمان پرداختند. آنها را این راه سایر نهاد های فرهنگی، اداری و ... را نیز به خدمت گرفتند. از جمله آموزش و پرورش را.

بینیم محتوای آموزش و پرورش و هدفهای آن رژیم سابق چه بود. این محتوا و این هدفها همانها بود که در تمام کشورهای زیر سلطه دیده میشد. الفاء این اندیشه که وضع موجود غروری و ابدی است و از آن گریزی نیست. پرورش کماشکائی به اراده، یک بعدی، از خود بیگانه و حیون بها مثنی محفوظات برای اداره بوروکراسی رژیم، انحراف از دامن از مسائل اساسی جامعه و دلخوردن مردم به نوعی زندگی مصرفی که آن هم در جهت فروش هر چه بیشتر کالاهای بنجل انحصارات می باشد، بالاخره از بین بردن اعتماد به نفس جوانان و کشتن ذوق و ابتکار خلاقیت‌های آنها.

نگاهی کوتاه به برنامه‌های رژیم در مورد دانشگاههای کشورمان در آلمان ببینیم:

برنامه‌های آموزشی دانشگاههای ما اساساً کپی شده از دانشگاههای آمریکائی مثل دانشگاه یوتا و پنسیلوانیا بود که توسط تحصیل کردگان آمریکا اجرا می شد و اکثراً

کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری

القباء شاه بعنوان پدر تاجدار و مهربان آموخته میشد و کمترین اشاره ای به زندگی پر مشقت مردم نمیرفت. کوب کان معصوم برای تبلیغات سیاسی رژیم در مراسم با صلاح ورزشی ۴ آبان و ۹ آبان و مراسم دیگر مورد ستواستفاده قرار میگرفتند.

همه این عوامل دانش آموزان و دانشجویان را چنان از درس بیزار میکرد و چنان فکشان را در اسارت میگرفت که جز به کسب مدرک و بدست آوردن لقمه ای نان با آن نمی اندیشیدند. این امپریالیسم بود که با دست اندازی بر تمام بنیاد های فرهنگی و آموزشی و پرورشی، فرهنگ امپریالیستی را گسترش میداد و میلیون ها مردم زحمتکار را در بیخبری و جهل نگه میداشت تا در سایه این فرهنگ امپریالیستی و تسلط بر نظام آموزشی کشور با فراغ بال به غارتگری خود ادامه دهد.

تسلط امپریالیسم بر یک کشور فقط در سایه جهل و ناآگاهی مردم آن کشور امکان پذیر است. و ما اینرا امروز در سایه قیام شکوهمند خود دریافته ایم. بیاد آوریم آن روزها را که رژیم وابسته در واپسین تلاشهای نومیدانه اش چگونه از جهل و بیسوادی بسیاری از مردم استفاده میکرد و آنها را در برابر دیگر همبهنانشا قرار میداد. بیاد بیاوریم که چگونه روستائیان نا آگاه، یا پاسانها و سربازان را که خود از مردم بودند بر علیه مردم بکار میگرفت. آیا تحقیق نکرده اند و تسلط دراز مدت بر آنها جز در زمینه یک فرهنگ امپریالیستی و به اتکای بیسوادی توده های وسیع مردم - هرگز امکان پذیر بود ؟

بهر حال قیام شکوهمند خلق ایران بسیاری از پایه های نفوذ امپریالیسم را در کشورمان فرو ریخت. و امید های فراوان در دلها برانگیخت. امپریالیست ها، امید استقلال و امید آزادی.

تمامی نیروهای مترقی و انقلابی از فردای قیام، توده ها و رعیان آنها را به قلع کامل ریشه های نفوذ امپریالیسم فرا خواندند. ریشه های که بویژه در زمینه های اقتصادی، نظامی و فرهنگی آشکارا دیده میشد و چون خاویز چشم نیروهای آگاه و مسئول نشسته اند. حدود یکسال و چند ماه از قیام میگذرد. معلمان ما هنوز مجبورند با تدوین همان کتابها و در چهار جوب همان نظام آموزشی سابق بسیاری از همان مدالهای را تدریس کنند که بر سر دهمیم. معلمان آگاه و متعهد بخوبی میدانند که تدریس همان کتابهای سابق و در چهار جوب همان نظام در خدمت گستر و تدوین فرهنگ اسارتی امپریالیستی است. فریاد های اعتراض آید بلند شده است. شواهد زیادی حاکی از اعمال فشار بر معلمان است که صادقانه در جهت مبارزه با این آموزشها و این فرهنگ منحط استعماری برآمده اند.

امروز همزمان با اوج گیری مبارزات ضد امپریالیستی خلق هایمان، مبارزه با فرهنگ امپریالیستی و در این جهت دگرگونی بنیادی در نظام آموزشی، بعنوان ضرورتی حیاتی رخ مینمایاند.

باید در نظر داشته باشیم که حضور امپریالیسم با حضور فرهنگ استعماری در کشورمان ارتباط دارند. کوچکترین نشانه حضور این فرهنگ و نهاد های گسترده منته آن نشانه حضور امپریالیسم در کشورمان است و تا امپریالیسم از ایران ریشه کن نشود، فرهنگ منحط آن وجود دارد. مبارزه با فرهنگ امپریالیستی تنها در زمینه یک مبارزه قاطع و همه جانبه با امپریالیسم امکان پذیر است. و ما تنها موقعی میتوانیم یک نظام آموزشی پویا، خلقی و انقلابی در جهت باروری فرهنگ ملود داشته باشیم که امپریالیسم بطور قاطع ریشه کن شده باشد.

گسسته باد همه وابستگیهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی با امپریالیسم

و قبل از آنکه دشمن فرصت یافته و بوسیلهٔ عمّالش سرمایه
داران وابسته و لیبرالها، ما و انقلابمان را منهدم نمایند، طوری
قدرت آنها را در هم بشکنیم که بیش حرکت نکنند و امکان تجدید
نواهم نیابند.

در پایان مقاله یکبار دیگر متذکر میشویم که دلتنزدان و
لیبرالها، دارند جای پای خود را محکم می کنند و بانحاه
مختلف میکوشند نیروها و توده های مبارز ما را از حرکت
انقلاب منفرد و منزوی ساخته و انقلاب را از مسیر خود منحرف و
متوقف نمایند. پس بر همگان فرض است با آنان مبارزه کرده
و از تحقق نیات پلیدشان جلوگیری نمائیم و قبل از آنکه کار از
ماز کار بگذرد و بار دیگر تلسف و تأثیری عمیق همراه با اسارت و
فلاکت و دیکتاتوری و فشار بر ایمان بارمغان بگذارند. دست
آنان را از جان و مال و مقدّرات خود کوتاه کرده و انقلاب رهائی
بخش خلقهای تحت ستم را تا مرز پیروزی کامل به بین ببریم.

منابع: در نگارش این مقاله از منابع زیر استفاده شده است
۱- شیلی به زبان ساده، ترجمه: م.ت. صابری
۲- کتاب جمعه (ویژه نامه شیلی)
۳- برخی از جراید و مجلات

هرگز

اگر هنوز زنده ای هرگز مگو «هرگز»
آنچه یقین می نماید یقین نیست
هیچ چیز بدین گونه نخواهد پائید
پس از سخنان ستمگران
نوبت فریاد مظلومین است
چه کسی را یارای گفتن «هرگز» است؟
در زیر سلطهٔ استبداد، آنکه سزاوار سرزنش است ما نمیم
و تنها ما می قوانیم استبداد را پایان دهیم
اقتادگان برخوانند خاست
نومیدان مبارزه خواهند کرد
چه کسی را یارای مقابله با مردم آگاه است؟
ستمدیدگان امروز پیروزمندان فرد آیند
و «هرگز» هم «اکنون» است.
برتولت برشت

آگاهی توده ها سنگر مقابله با امپریالیسم است

شماره ۱۸۴۰۳ ب
تاریخ ۵۸/۱۱/۶

(بسمه تنالی)

وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان مازندران
اداره آموزش و پرورش منطقه ای رامسر

تاریخیه که برخوار منطقه آموزشی در مورد تنایم پرونده محرمانه تحصیل در دوره ابتدائی بر مبنای راطرح
دره اند لذا با توجه به بخشنامه شماره ۵۰۰-۵۸/۷/۱۵ بنظر اینجانب همآ تنگی در مقاطع مختلف
ت میلر در این زمینه در حال حاضر تنایم پرونده مزبور برای دانش آموزان کوردستانی و ابتدائی ضرورتی
ندارد.

معاون امور آموزشی - حسین سرلنجی
۵۸/۱۱/۱۱ - روزنوشته جهت اطلاع بادره آموزش و پرورش شهرستان / منطقه / ارسال
مدیرکل - صالحی
از طرف - سیاستدار
ارسال میگردد ۰/۰
روزنوشته جهت اطلاع بدبستان
۵۸/۱۱/۲۴

عبدالرزاق الهیسان
رئیس آموزش و پرورش منطقه ای رامسر

همانطور که در سند بالا ملاحظه

می کنید اداره آموزش و پرورش رامسر به
«مناطق آموزشی» بخشنامه کرده است که
«تنظیم پرونده برای دانش آموزان
کوردستانی و ابتدائی ضرورتی ندارد». به
عبارت دیگر تشکیل پرونده محرمانه برای
دانش آموزان راهنمایی و دبیرستانی
ضرورت دارد!!

اکنون این سؤال مطرح می شود که
هدف مسئولان! از صدور این بخشنامه
چیست و آنها چه نیازی به داشتن «پرونده
محرمانه» برای دانش آموزان دارند؟!

کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری

بیشتر فرزندان زحمتکشان از تحصیل محروم میگردند



درد بخواند و همین مسئله مرا بیشتر بکار کردن وادار میکند تا شاید او دیگر مجبور نباشد ترک تحصیل نماید . راستی آیا دولت برای تحصیل فرزندان زحمتکشان مساعی که به این صورت دسته دسته ترک تحصیل میکنند و یا از همان اول از تحصیل محروم میشوند اندیشیده است . آیا تا کنون برنامه‌ای که نایسته باحواله شدن کلیه مرد زحمتکشان باشد ارائه داده است ؟ ما می‌گوئیم تحصیل برای کلیه زحمتکشان ، تا سطوح متوسطه هم اجباری و هم رایگان باشد . این حق مسلم زحمتکشان است . و باید اجرا گردد .

چند روز قبل به کارگاه مکانیکی یکی از آشنایانم رفتم تاگرد مکانیکی را دیدم که با بدنی کشیده و استخوانی از زیر ماشین بیرون خزید و بیرون آمد . از او پرسیدم که آیا به مدرسه میرود ؟ گفت : من پارسال ترک تحصیل کردم . سال اول را همتاش را تمام کرده بودم که پدرم فوت کرد . و چون فرزند بزرگ خانواده بودم ، مجبور شدم که ترک تحصیل نمایم و کاری پیدا کنم . تا از این طریق بتوانم به خرج خانه کمک نمایم . هر چند مادر بیم قالی می‌بافت با وجود این اگر من کار نکنم او به تنهایی نمیتواند خرج خانه را در بیاورد . اما مسئله‌ای نیست چون در عوضش برادر کوچکتر میتواند

با ایجاد آموزش و پرورش خلقی استعدادها را شکوفا سازیم

کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری

بهمن شماره ۱۰۹۳۷

چهار تن از سران ترکمن بقتل رسیدند



انتقال دادند .
پزشک قانونی پس از معاینه اجساد اعلام کرد که مقتولین بر اثر اصابت گلوله کشته شده‌اند .

برادر یکی از مقتولین گفته است : « کشته‌شدگان از سران ستاد خلق ترکمن بودند و پس از دستگیری این عسکر دیگر اطلاعی از سرنوشت آنان در دست نبود تا اینکه مطلع شدیم که آنها کشته شده‌اند » .

در این رابطه سازمان چریک‌های فدائی خلق طرابلس‌ای ترور چهار نفر فوق را محکوم کرد و همچنین افزود :

آقای رئیس جمهور اینک باید پاسخ دهد کسانی که

این چهار نفر را از زندان تحویل گرفته و به‌منهادت رسانده از چه کسانی دستور گرفتند و آیا آقای رئیس جمهور از این جنایات هولناک مطلع بوده است ؟

خبرنگار کیهان از بنجورد مویت مقتولین را بدین شرح

بنجورد - اجساد چهار تن سران کانون فرهنگی - ستاد خلق ترکمن که به‌نگام تیرسری‌های گنبد توسط سواران دستگیر شده بودند ، در نزدیکی نو چاده بنجورد - بنجورد - هنوز از چگونگی کشته شدن این عسکر که به‌خوبی به‌قتل رسانده شده اطلاعی در دست نیست .

اجساد این چهار نفر که به‌منهادت درخشنده توماج ، به‌منهادت مختوم ، و طواق محمد واحدی ، و حسین جرجانی ، نام داشتند ، یک رهنگر در نزدیکی بنجورد - گنبد و در

کیلومتری بنجورد مشاهده شد . این رهنگر جریان را به‌منگاه ژاندارمری ، به‌منگاه اطلاع داد . پس از دریافتن گروهان ژاندارمری ، این حادثه ، صبح

به‌منگاه هفتگی گذشت . پس از پشک قانونی و به‌منگاه گروهان و باسگاه ژاندارمری بنجورد به محل رفتند و پس از انجام بافت ، اجساد را به‌بنجورد



طواق محمد واحدی یکی از مقتولین

گزارش کرده است : اصطواق محمد واحدی ، عضو شورای شهر وستاد خلق ترکمن و دادیار سابق بنوعیاس ۲ - شیرمحمد درخشنده توماج ، لیسانیه و عضو ستاد خلق ترکمن ، ۳ - به‌منهادت مختوم ، لیسانیه دبیر و عضو ستاد خلق ترکمن ، ۴ - حسین جرجانی عضو ستاد خلق ترکمن.



شهید شیرمحمد درخشنده توماج

ترور نا جوانمردانه چهار تن از فرزندان خلق توکمن ، توماج - مختوم - جرجانی و واحدی را محکوم نموده و خاطر نشان می‌سازیم که اینگونه اعمال وحشیانه د قیقا" توسط عناصر وابسته به امپریالیسم میباید . آنها بیشمارانه و آشکارا انقلابیون راستین خلق را بطرز فجیع بقتل میرسانند و میدانیم و می‌دانند که آگاهانه در خدمت امپریالیسم و علیه خلق عمل می‌نمایند . اینگونه جنایات بیشک یاد آور جنایات رژیم سفاک پهلوی در اذهان عمومی خواهد بود .

کودتای شیلی و نقش امپریالیسم آمریکا

شیلی در سال ۱۹۷۰ در حالیکه چهل سال سنت دموکراسی بورژوازی باید ارومد اوم پشت سر داشت در یک انتخابات صندلی ریاست جمهوری راه سالوادور آلنده کاندیدای "اتحاد خلق" که جبهه‌ای مرکب از احزاب چپ و ترقیخواه بود تقدیم کرد. در سال ۱۹۷۱ سالوادور آلنده لایحه ملی کردن کلیه معادن را به کنگره داد و در همان سال کنگره شیلی کلیه معادن و شرکت‌های استخراج مس را ملی اعلام کرد.

روی کار آمدن این دولت ضد امپریالیستی و اقدامات فوق‌العاده خطرناک بود برای بورژوازی ایالات متحده آمریکا سالها قبل از انتخاب سالوادور آلنده به ریاست جمهوری شیلی در راستا از سیاست خارجی آمریکا موقعیتی ویژه داشت و مناطق محوری مورد توجه آمریکا بود که هر ساله مقدار هنگفتی از کمک‌های نظامی و غیر نظامی ایالات متحده را به خود اختصاص میداد. شرکت آی. تی. تی. که منابع مس شیلی را تحت کنترل داشت منافع اقتصادی خود را مقدم بر منافع سیاسی میدانست و این روخواهان مداخله مستقیم آمریکا در این کشور بود ولی بورژوازی آمریکا میخواست چنان شرایطی ایجاد نماید که نشان دهد سقوط آلنده در نتیجه عدم توانائی او و از آن مهمتر عدم توانائی سوسیالیسم در پاسخگویی به نیازهای جامعه و قانع کردن مردم است. نتیجه این سیاست آن بود که آمریکا حداقل در کوتاه مدت

از منافع اقتصادی خود صرف نظر کند. لازمه چنین سیاستی آن بود که طرح سرنگونی آلنده بطور مخفیانه به مرحله اجرا درآید شرایط شیلی بخصوص برای اجرای چنین سیاستی کاملاً مساعد بود. زیرا آلنده از طریق روشهای پارلمانی روی کار آمد و از راه مبارزه انتخاباتی قدرت را به دست گرفت. بنابراین برخورد او با ارتش و دستگاه اداری با روش مسالمت آمیز صورت گرفت. بخصوص ارتش امپریالیستی شیلی برخلاف کوبا دست نخورده ماند و تنها برخی سران آن مشغول تصفیه قرار گرفتند. نمونه این مسئله را هم اکنون در ایران می بینیم و شاهدیم که ارتش شاه جز تعدادی از سران آن نه تنها دست نخورده است که در بازسازی آن بهمان کیفیت و ترکیب قبلی می کوشند.

آمریکا در استراتژی سرنگون کردن آلنده و طرح کودتا که مورد قبول شورای امنیت ملی آمریکا قرار گرفت، تاکتیکهای زیر را مورد استفاده قرار داد

- ۱- ایجاد بحران و هرج و مرج اقتصادی و شیلی به منظور تقویت خرد بورژوازی و رویاروی قرارداد آن با دولت اتحاد خلق
- ۲- بهره برداری از سیاست غیر قاطع طبقاتی و ضد امپریالیستی آلنده و اعتقاد وی به سیاست آشتی طبقات
- ۳- ایجاد یک دستگاه مهم تبلیغاتی مخفی و علنی که بتواند توده‌ها را از نظر سیاسی گمراه و آنها را مقابل هم قرار دهد و عدم کفایت ولیافت دولت آلنده را در تثبیت اوضاع

کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری

همچنان قد رنمند و صاحب نفوذ باقی ماندند و در رکود تانقش
فعالی برعهده گرفتند . امپریالیسم آمریکا برنامه های خود
را بر اساس ناتوانی آئنده در پیشبرد یک سیاست قاطع و انقلابی
طرح ریزی کرده بود .

طی سالهای ۷۳-۱۹۷۰ برنامه های متعددی در
جهت استراتژی جنگ مخفی در شیلی به اجراء آمد تا شرایط
برای کودتا آماده گردد که در مرکز این برنامه ها تهاجم
اقتصادی بود . این تهاجم سه وجه مختلف داشت .

الف : تحریم غیر مرئی که به موجب آن مقرر شد .

۱- بانکها اعتبار جدیدی به شیلی ندهند .

۲- شرکت های بازرگانود رارسال سفارشات تاخیر نمایند .

۳- موسسات دیگر اجتماعی د فاطر خود راد ر شیلی تعطیل
کنند .

۴- کمک های فنی به شیلی قطع گردد .

توان امپریالیسم آمریکا در اجرای موفقیت آمیز این

سیاست " دقیقاً به این علت بود که سرمایه داری وابسته

در شیلی دست نخورده باقی مانده بود ، چون اقتصاد شیلی

به شدت به آمریکا وابسته بود و از آنجا که آئنده نمیتوانست

یک سیاست اقتصادی کاملاً توده ای پیاده کند در مقابل

فشارهای اقتصادی امپریالیسم کاملاً آسیب پذیر بود .

قدرت بین المللی مالی آمریکا نیز در این میان نقش

فعالی بازی میکرد ، نتیجه تحریم اقتصادی شیلی موجب

کاهش شدیدی تولید و تنزل قدرت مصرف جامعه گردید

رشد کلی اقتصادی به علت فقدان لوازم بدکی و سرمایه کند

شد . نتیجه آنکه خرده بورژوازی شیلی بتدریج در مقابل

آئنده قرار گرفت . این مسئله بخوبی در اعتصابات

اقتصادی و اجتماعی شیلی بین آنان تبلیغ نماید .

پشتیوت جناح راست از طریق کمک های مالی و تقویت
برنامه های آنها به طور مخفیانه .

در این مورد امپریالیسم آمریکا (مبلغ ۸۱۵۰۰ دلار به
جناح راست داد این مبلغ میبایست صرف بوجود آوردن
دودستگی در جبهه اتحاد ملی میشد)

در کوشش در جهت ایجاد تفرقه و انشعاب در جناح چپ
جنش " یاد امن زدن به اختلافات ایدئولوژیکی آنها بخصوص
در شرایطی که سیاست های رفرومیستی آئنده مورد اعتراض چپ
انقلابی بود .

از لاین فعالیتها میبایست زمینه ایدئولوژیکی و سیاسی
را به منظور مدخله موفقیت آمیز ارتش در لحظه قطعی فراهم
نماید و ثانیاً چپ انقلابی که دشمن پیگیر اوست منفرد و

خنثی سازد تا مجموعه شرایط برای سرنگون کردن آئنده

بوجود آید . هدف این قسمتاز برنامه امپریالیسم آمریکا

منفرد ساختن چپ انقلابی بود تا قدرت نیروهای

انقلابی در برابر کودتا را به حد اقل کاهش دهند البته سفارت

آمریکا در ایجاد پوشش تنها برای جاسوسان آمریکائی نبود

بلکه آمریکائیان در شیلی بهر عنوانی از جمله نمایندگی

شرکت های آمریکائی مشغول توطئه بودند و خود داری آئنده

از مصادره اموال این شرکتها دست آنها را برای هراقدامی

باز می گذاشت مراکز جاسوسی فعالیت خود راد ر روستاها

گسترده کردند و بسیاری از عمال سرمایه داران و زمینداران را

انتخاب و تحت تعلیم خاصی قرار دادند . زمینداران در

مقابل تصرف زمینها بوسیله روستائیان ایستادند ، آئنده

نمیوانست به مطالبات دهقانان عمیقاً پاسخ گوید و زمینداران

و گروه فاشیستی بنام " وطن و آزادی " که دست به ترور و کشتن و خرابکاری و تعطیل در قسمتهای مهم صنعتی زدند، ایجاد کردند .

اولین ترور در مورد ژنرال " اشناید ر " فرمانده ارتش شیلی انجام شد، ژنرال اشناید ر مخالف مداخله ارتش در سیاست بود . بعد ها با افشا اسناد سیا روشن گردید که توطئه ترور اشناید ر که بنام عملیات " آلفا " نامگذاری شد قرار بود که گروههای چپ انقلابی را به انجام ترور متهم سازند . تا محیط بدبینی و عدم اعتماد نسبت به این گروه گسترده شود سرانجام محیط وحشت و هرج و مرج در شیلی گسترش یافت .

به هر صورت مجموعه عملیات فوق و سایر فعالیتهای سازمان سیا که عمدتاً از مجاری سفارت آمریکا در شیلی انجام می گرفت زمینه را برای کودتا فراهم ساخت لیبرالها، دمکرات مسیحی و بطور کلی دست راستی ها اعلام کردند که با دولت اتحاد ملی شدیدا مخالف هستند ، و عاقبت سپتامبر ۱۹۷۳ فرار سید و ارتش از هوا زمین وارد عملیات شد .

متأسفانه یک بار دیگر نیروهای دموکراتیک آن قدر دست زدن داشتند تا عوامل (آن جهانخوار) نیت پلید خود را به تحقق بخشیدند . کودتای شیلی در وهله اول ۳۰ تا ۴۰ هزار کشته بجای گذاشت و برپیکر جهان ادب نیز ضربه زد و دوقمرگی پابلونرو در ارباب نهال داشت . او میگوید .

" اگر اطاق بالماسداله وسیله تیرها خرد و ویران گردید خانه آئنده به شکرانه ترقیات جهان از هوا توسط قهرمان نیروی هوایی مان بمباران شد . سرنگونی دولت آئنده در سال ۱۹۷۳ نشان داد که این دوره یک دوره استثنای

گسترده صاحبان تاکسی و کامیونداران که بعنوان اعتراض در مقابل فقدان لوازم بدگو انجام گرفت دیده میشود .

اعراب دست راستی در اکتبر ۱۹۷۲ به بهانه مخالفت با طرح ملی کردن کامیونهای حمل و نقل در یکی از استانهای جنوبی اعتصاب مشهور کارفرماها را ترتیب دادند

امریکا و شرکتهای چند ملیتی برای تخریب اقتصادی شیلی مبارزه کردند ، بانک توسعه امریکا و چند بانک دیگر وامهای خود را به شیلی قطع کردند تکنسینهای آمریکایی با رفتن خود از معادن ، طرحها و نقشه ها را نیز با خود بردند .

ب - سفارت آمریکا به کمک سیا نقشه کاهش قیمت مس را در بازار جهانی به مرحله اجرا در آورد این امر لطمه

سیدی به اقتصاد شیلی وارد کرد چرا که مس ۸٪ صادرات کشور را تشکیل میداد و هرست کاهش قیمت مس در بازار

جهانی ده میلیون دلار به اقتصاد شیلی لطمه وارد میکرد ج - جنبه تهاجم اقتصادی امپریالیسم آمریکا ایجاد بازار سیاه ارز در شیلی بود این مسئله نیز که توسط کارشناسان اقتصادی سیا انجام گرفت ضربه دیگری بر سیاست اقتصاد دولت آئنده وارد کرد .

تا توانی آئنده در کنترل سرمایه مالی و ایجاد یک سیستم نظارت توده های پرتولید دلیلی بر موفقیت سازمان سیا بود .

دست راستی ها برای احتکار آغاز به فعالیت نمودند و شایعه کمبود مواد غذایی بطور خود بخود و با افزایش مصنوعی

مصرف آن مانند " دو برابر شدن مصرف در مورد شکر " تحقق یافت ، علاوه بر تهاجم اقتصادی ، برنامه های دیگر نیز

توسط سیا به مرحله اجرا درآمد ، از جمله سازماندهی یک سپاه شبه نظامی و تعلیم تروریستهای حرفه ای بود که بوسیله لیبرالها و عوامل وابسته فعالیت خرابکارانه را افزایش دادند

کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری

امپریالیسم آمریکا نیروی نظامی پیاده نکرد بلکه مقاومت مردم را از درون درهم شکست. این یک واقعیت است ولسی حشر عربان ترین واقعیتها را هم بیکسان در نمی یابند بعضی از شیعی در رس گرفته اند که بی احتیاطی های - سالوادور آلنده را تکرار نکنند و طبقات حاکم را بر سر خشم نیاورند. فاجعه شیعی این حقیقت را یاد یگر تاکید و تاکید نمود که آنان که مبارزه طبقاتی و ضد امپریالیستی را با گذار مسالمت آمیز و رور آشتی جویانه در هم می آمیزند و با تانولات و تحلیل های شخمی و ندر و عجیب و غریب خود اذعان مردم انقلابی و مبارزه قاطع آنان را در سرنگون کردن و در هم شکستن سرمایه داری وابسته منحرف و یا تخدیر میکنند، مسئولیت خون هزاران هزار انسان بیگناه و همچنین مسئولیت اسارت مجدد و زندقی فلاکتبار خلقها را به گردن دارند و در پیشگاه مردم و ملت خود مأخوذ میباشند. فاجعه شیعی به انقلابیون همه کشور های زیر سلطه در رس بزرگی داد که بدون در هم شکستن سرمایه داری وابسته نمیتوان سلطه امپریالیسم را درهم شکست. مبارزه ضد امپریالیستی و طبقاتی از هم جدا نمی ناپذیرند و جز از طریق مبارزه ای پیگیر و قاطع تحقق نمی یابد شاید پیروان مشی مسالمت آمیز و آشتی طبقات برای توجیه گناه نا بخشودنی خود عذ و بد تر از گناهی هم بیاورند و بگویند کودتای شیعی بخاطر چپ رویها و افراطهای سازمانهای چپ انقلابی بوقوع پیوست و بهمین سادگی از روی اجساد متلاشی شده چهل پنجاه هزار انسان بگذرند. همانگونه که کودتای ۲۸ مرداد ایران را تقریباً همینگونه تحلیل میکنند و با فشار و اختناق محمد رضا شاه را

در تاریخ سرمایه داریهای زیر سلطه است فاجعه ۱۹۷۳ نشان داد که فاعده در این کشورها دیکتاتوری و قاطعیت انقلابی است نه دیکراسی غربی و ملایمت محافظه کارانه آلنده و متحدان او در اتحاد خلق که نزد یک به نیم قرن سرکوبی و خنوت سرمایه بزرگ راه عربانی ندیده بودند. همان می کردند که می توان با دست های گل بورژوازی را در فریفتو با ملایمت سیاست ضد امپریالیستی و توده ای را به هم آلتا تقسیم کرد. آنها از بورژوازی استدعای کردند که در این سرمایه های خود راه مردم واگذار کرده و حاکمیت کارگران و زحمتکشان را بپذیرند. ولی بورژوازی تازمانی که آنها به مناطق متوجه نزد یک نشده بودند با آرامش و بردباری به ریششان می خندید و تحمیشان می کرد و آنگاه که پارزگیم خود فراتر گذاشت تمام قواعد بازی را بهم ریخت و چنان دیکتاتوری خشن بوجود آورد که طرف چهار سال پیش از دیکراسی چهل ساله شیعی شهرت پیدا کرد. مبارزه طبقاتی و ضد امپریالیستی شیعی از آنرو شکست خورد که رهبران آن میخواستند آنچه را دیکران صد بار آزموده اند بار دیگر باز یابند آنها گمان می کردند که بورژوازی وابسته و امپریالیسم را میتوان متقاعد کرد که با پای خود بگورهایشان بختند و از طرف دیگر از انقلابیون واقعی میخواستند که کاری کنند که بورژوازی به خشم پدید یا رنجیده و آزاده شود اما حرف نشان داد که مبارزه طبقاتی برای خود قواعدی دارد و یکی از آنها این است که دشمن هرگز نیت خود را بر زبان نمیاورد بلکه خود را مدافع و ارونه آنچه میکند جلوه میدهد. برآستی باید از فاجعه شیعی در رس گرفت. در شیعی

بگردن فد اکاربها و جانفشانیهای جوانان انقلابی و قهرمان
میهنمان میدانند و میگویند اعمال اینها بود که باعث میشد
شاه بها آزادی ندهد و آنقدر سخت بگیرد .

حتما اینان با چنین اعتقادی انتظار دارند که دشمن حکومت
و مواضع قدرت را در روزی پیچیده با آنها به کتو بهمین
دلیل است که میگویند دشمن را نباید بر سرخشم آورد چه
ممکن است از تصمیم خود منصرف شود .

آلنده و یارانش بیرو چنین مشی بودند . آنان به نیروی
لایزال طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان کشور خود تکیه نکردند و
باتکیه بر اختیارات قانونی رئیس جمهور ، بطور خنثی و آرام
و بدون آنکه حریف را رنجیده خاطر سازند می خواستند بقدر
مواضع حساس و استراتژیک نزدیک شوند اینان از مواضع
قدرت تنها یک کرسی ریاست جمهوری را در اختیار داشتند .

در حالیکه نیروهای مسلح (این ستون فقرات حاکمیت
سیاسی) و گروه قانونگذاری و قضایی (که از قدرت زیادی
برخود ار بودند) هنوز در دست دشمن بود طبیعواست
که اگر از قهر انقلابی طبقه کارگر و دهقانان فقیر و دیگر زحمتکشان
استفاده میکردند و قاطعانه بنیان ارتش امپریالیستی و دیگر
مواضع دیوانسالار شیلی را در گریز میکردند شیلی امروز وارث
۵۰ هزار کشته و حاکمیت مجدد امپریالیست نمی بود .

آلنده در حالی به اریکه ریاست جمهوری تکیه زده بود که
بورژوازی استقلال شیلی و حاکمیت دیگر ارکان قدرت را در
سینی زرین گذاشته و تقویم پاو کند آماده بدیم که امپریالیسم بجای
آن از هوا و زمین گلهای آتسین باو هدیه کرد . اینست ثمره
سیاست آشتی طبقات و گذار مسالمت آمیز ووشی پارلمانناریسم
آنچه در شیلی اتفاق افتاد ، با وضعی که اینک بر کشور ما حاکم

است تفاوتهای زیادی دارد . در آنجا نیروهای ثروتی خواه
بعد از چهل سال تد اوم د موکراسی بورژوازی تنها در ریسک
انتخابات پیروز شده بودند در حالیکه در کشور ما زحمتکشا
ایران بعد از پنجاه سال شکنجه و اختناق
بدترین و کثیف ترین د یکتاتوری تاریخ معاصر را در
هم شکسته اند و دهها هزار قربانی داده اند بخون شهید
ان ما هنوز از درود یوار شهرهایمان زده نشده است
در شیلی انقلابیون با حیل و دژی افسون کردن و دما انداز
ختن امپریالیسم بودند ولی در کشور ما امپریالیسم ولیرالها
هستند که با هزاران نیرنگ خلق ما را افسون میکنند و در صد
به بند کشیدن و منفرد ساختن نیروهای انقلابی لایزالش
هستند ، اگر در شیلی زنان خانه دار به بهانه گرانسی
ارزاق علیه جناح حاکم می شوراندند ، در ایران دسته های
فریب خورده توسط جناح حاکم لیبرالیسم بکارگردانی
زهرآخانم بسیج میشوند و با جاق و جماق بجان کارگران و
زحمتکشان جویای نان و کار میافتند .

در شیلی آلنده می کوشید با نشان دادن وفاداری خود به
قانون اساسی ارتش را بی طرف سازد ، ولی در ایران د ولت مرد
میکوشند همان ارتش شاهنشاهی را باز سازی و تقویت
نمایند .

در شیلی هنگامیکه سرمایه داری وابسته و امپریالیسم ، کارخانجات
و کارگاهها را بقصد خرابکاری به هرج و مرج و حالت نیمه تعطیل
کشاندند . کارگران کنترل بسیاری از آنها را به دست گرفتند
و آلنده دستکم از این عمل آنان در عمل پشتیبانی کرد ، در
حالیکه در ایران نه تنها صاحبان کارخانجات و سرمایه دارا
وابسته فراری و ورشکسته را بموضع خود دعوت کرد و تقویت مالی

کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری

امروز دیگر همه روشن است که انقلاب شکوهمند ملت ایران و مبارزه انقلابی توده های میلیونی بدون مبارزه فاطم با آمریکا امکان پذیر نخواهد بود . مبارزه با آمریکا را باید در طیفی گسترده ادامه داد . از یک طرف سرکوب و اشغال سرمایه دار وابسته . از سوی دیگر لغو کثبه قراردادهای اسارت با رشیایی - اقتصادی - نظامی - فرهنگی با آمریکا و بالاخره طرد و افشای فاطمائه عناصر لبرال و سازشکار - در یک چنین ابعادی است که مبارزه ضد امپریالیستی ماه به نتیجه خواهد رسید بویژه که هم اکنون عناصر لبرال برای تصاحب مواضع قدرت و منحرف کردن اذهان عمومی سخت به تلاش افتاده و از بیماری امام خمینی سو استفاده کرده به فعالیت خود افزوده اند . مضافاً اینکه انتخابات مجلس شورای هم نزدیک است و اینان برای تصرف کرسی های پارلمان دست به تراکمی زده و از اعمال هرگونه قریب و نیرنگی کوتاه نخواهند آمد . و بدینگونه است که مبارزه با سازشکاران را مورد تأکید قرار میدهم به موقعیت بفتح آن است و پیروزی آنها بدون شک مساویست با شکست انقلاب ما . هم آنها هستند که تمکین دارند حرکت ضد امپریالیستی و ضد آمریکائی مردم ماتحقق یافته و از حد شعار به مرحله عمل درآید . نکته که تاکنون مانع آن بود ندکه از این همه شعار و تظاهرات ضد آمریکائی لااقل یکی از قراردادهای ایران و آمریکا افسا و لغو گردد و حال یکبار دیگر از پیروان مشی سازش طبقات میبرسم چگونه میخواهند با چنین افرادی در یک صف قرار گیرند و بر علیه امپریالیسم آمریکا مبارزه کنند ؟

ما باید از کودتای شیلی در ریگیری و علیرغم توصیه های اینان مبارزه با امپریالیسم را در همه زمینه ها به پیش ببریم .

نمودند بلکه کارگرانیکه با اعتصاب و مبارزه خود دیکتاتوری آریا میبری را بزرگشیدند و اینک میخواهند شور و شوق بکا بوجود آورند ، بعنوان ضد انقلاب و آلت دست آمریکا و صهیونیسم به دست سرکوب میکنند و از کارفرماها در مقابل کارگران پشتیبانی میکنند و همچنین اگر آئنده نتوانست بخواست دهقانان - فقیر در مقابل قدرت زمینداران پاسخ گوید . در کشور ما در دست برعکس زمینداران و فئودالها را مسلح کرده و از آنان در مقابل دهقانان حمایت می کنند . آری وضع خیلی با ما تفاوت های بسیار دارد . پیروان و موعظه گران سازش طلباتی در شیلی خود قدرت ریاست جمهوری را در اختیار داشتند و بدون اینکه انقلابی رخ داده باشد شکست و انهدام خود کمر بستند ولی در ایران . با موعظه ها و پیشنهادهای تلغیفی خود انقلاب شکوهمند خلقهای مارا به بیراهه میکشاند و شرف خون هزاران هزار شهید بخاک افتاده . ما را بیداد خواهند داد و هم اکنون سفارش میکنند که مبارزه طبقاتی در شرایط کنونی . جبهه ضد امپریالیستی را تضعیف می کنند ، ما از آنها می پرسیم در جبهه ضد امپریالیستی بانکا کدام نیروها می خواهید مبارزه کنید ؟ آیا با پرچم سفید و جلب حمایت لیبرالیسم میخواهید جبهه ضد امپریالیستی خلق را نیرومند سازید ؟

ما معتقدیم تنها توده ها و اقشار زحمتکش و محروم می توانند اصالت مبارزه ضد امپریالیستی را حفظ کنند . البته وحدت توده ها می تواند در خط جبهه ضد امپریالیستی قرار گیرند ضرورت حیاتی دارد . باید از این وحدت و همبستگی در سرکوبی برانداختن دشمن اصلی خلقهایمان که همان امپریالیسم جهانخوار بسرکردگی آمریکا است بهره استفاده کرد

اخبار . . .

هوشیاری دانش آموزان توطئه گران را سوا کرد !!

چندی پیش خبری از یکی از مدارس راهنمایی بخش گیار که اتفاقاً مختلط هم هست بدستمان رسید جریان از این قرار است که عده ای از دانش آموزان پسر بتحریر یکى از کارکنان مدرسه بر علیه معلمان زن مدرسه شعار داده و با آنها توهین میکنند و در ضمن خواستار عوض شدن روسری این معلمان میشوند ولی با مخالفت دانش آموزان دیگر و بخصوص دانش آموزان دختر مواجه میشوند که مگر روسری معلمان چه عیبی دارد ؟ محرکین باز دانش آموزان را - تحریک میکنند که بگویند ما اصلاً با روسری کاری نداریم ما اصلاً معلم زن نمیخواهیم این گفته با مقاومت بسیار شد بدانش آموزان دیگر مواجه میشود و در جواب دانش آموزان تحریک شده میگویند اگر معلم زن بیروستای ما نیاید اولیا نمی گذارند ما بدرسه بیاییم . از طرفی معلمان مدرسه تصمیم به دعوت اولیا دانش آموزان میگیرند که با مخالفت معاون و مدیر مدرسه که نمایند ه بخش گیار نیز هست روبرو میشوند اما عده ای از دانش آموزان جریان را به اولیا خود میگویند که نتیجه همگی بدرسه می آیند و از معلمان زن پشتیبانی میکنند و از - معلمان میخواهند که عوامل تحریک را معرفی کنند ولی محرکین با مشاهده چنین وضعی عقب نشینی میکنند و مدرسه بهمت معلمان و دانش آموزان انقلابی و صادق جریان عادی خود را از سر میگیرد با امید روزی که

دست چنین افراد مغرضی بکلی از آموزش و پرورش ما - کوتاه شود و امروز دانش آموزان هوشیارانه مواظبتند تا نگذارند مشق فرصت طلبانه انقلابی نما از نیروی آنها که باید تماماً در جهت مبارزه با امپریالیسم صرف شود در جهت مقاصد شخصی و مضحک خویش استفاده نمایند .

تقتیش عقاید باسواکت جدید !!

د مدیر مدرسه راهنمایی اشکفنگ چنین روی میدهد : در تاریخ ۵۸/۱۰/۹ یک نفر از محصلین کتابی به یکی از دوستان طبق تقاضای خود او میدهد تا مطالعه کند روز بعد معلم کلاس متوجه این موضوع میشود و در زنگ تفریح آن دو نفر را در دفتر مدرسه میخواند، از محصل می پرسد این کتاب را از کجا آوردی در جواب میگوید از دستم گرفتم تو این کتاب را از کجا آوردی آقا از برادرم گرفتم خوب بگو بیستم برادر را از کجا آوردی است برادرم از دستش گرفته نام دوست برادر را چیست نمود اسم برادر را کجاست میخواند شهر کرد کلاس چند است کلاس دوازدهم . کدام دبیرستان است نمیدانم خوب حالا که نام او را نمی دانم فردا برادر را بگو باید مدرسه با او کاردارم . آقا چرا ؟ برای اینکه تو اولاً کتابی که میخواهی بخوانی باید بدانی که آن طرف که به شما کتاب میدهد کیست چه طرز فکری دارد آیا مسلمان است یا کافر موافق اسلام است یا ضد اسلام ؟! و از همه مهمتر نویسنده کتاب را به شناس که باز چگونه فکر می کند چگونه مطلب می نویسد و در ضمن تو چرا از کتابخانه مدرسه کتاب نمی گیری هر موقع که میخواهی کتاب بخوانی

کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری

این کشور از آن ماست

این پاره خاک

که همچون ماد یانی از آسیای دور ساخت

و سر برد ریای سفید هشته

کشور ماست

سجها درخون، لبهایچ، پاهای برهنه

و خاکی که فرز پرریان را می ماند

این دوزخ و این بهشت

از آن ماست

بست باد دروازه های بیگانه و هرگز باز مباد

نابود بردگی انسان بر انسان

این پیام ماست

زمستن چون تکه رختی آزاد و تنگ

و همچون جنگلی برادرانه

این آرزوی ماست .

فقط از کتابخانه مدرسه تان کتاب بگیر نه از جای دیگر .

حالا برو کلاس دیگه این کار تکرار نشود و برادرت را هم

بگو باید مدرسه تا بنیم منظور از این کار چیست .

آیا این تفتیش مفاید و ساواک جدید نمی باشد در صورت

تیکه کتاب ذکر شده خرگوش ها و گرگها از قدسو قاضی .

نور بود .

اگر وحشتی از حقیقت ندارند چرا از مطالعه دانش

آموزان بیزارند و از آگاه شدن آنها می ترسند .

انحصار طلبی مسئولان

چندی پیش مدیر مسئول و متعهد دانشسرای مقدماتی

شهرکرد توسط انحصار طلبان برکنار شد آنها که کتاب

تحمل عناصر مترقی و مسئول راندانند ایشان را بدون

هیچگونه دلیلی برکنار و یکی از عوامل خود راهمدیریت

دانشسرا منصوب نمودند . سپن باتوطئه چینی سعی

در ایجاد تفرقه بیند انرا آموزان نمودند که توطئه های آنها

باهوشیاران دانش آموزان خنثی شد .

دانش آموزان از این موضوع ناراحتند و معتقدند که مدیر

باید توسط خود آنها و معلمان دانشسرا انتخاب شود .

اختلاف، خبرچینی و ایجاد فضای غیردمکراتیک در مدارس را محکوم می کنیم .

پیامهای کانون

توطئه ساز شکاران سدی است در مقابل مبارزات

ضد امپریالیستی

اکنون که در هرکوی و بزرگسرای سخن از امپریالیسم آمریکا و توطئه های آن علیه مردم زحمتکش ماست و مردم در ریی اشغال سفارت آمریکا خواستار افشای عناصر وابسته و سازشکار و پیشر مبارزات ضد امپریالیستی، یعنی قطع همه رشته های وابستگی اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا هستند. برعهده همه نیروهای مردمی و انقلابی است که در رگسترش و تشدید مبارزات ضد امپریالیستی و رهایی از یوغ ستم انحصارات سرمایه داری جهانی و شرکاء داخلین مجدانه تلاش کنند، و تا پیروزی کامل مبارزه را در تمام سطوح علیه این جهانخواران و بسود زحمتکشان به پیش برند. آنان که امروز امپریالیسم آمریکا و پایگاههای اصلی آن در ایران یعنی سرمایه داری وابسته و لیبرالیسم را فراموش میکنند و لبه تنیز مبارزه را بهر عنوان و بهر بهانه از سوی این دشمن اصلی همه خلقهای ایران باین سو و آن سو کج میکنند عملاً رخد مت امپریالیسم قرار میگیرند همه شاهدیم که در اوج مبارزه ضد امپریالیستی زحمتکشان زمانیکه جاسوسخانه آمریکا اشغال میگردد و توده های

میلیونی مردم بر سر استرداد شاه از آمریکا و محاکمه و مجازات او اصرار می ورزند از حزب جمهوری خلق مسلمان و رهبرانش هیچ اثر و نقشی دیده نمیشود اینان از آنجاکه در مبارزه علیه امپریالیسم مشتشان خالیست و از آنجاکه نه دشمن امپریالیسم بلکه از دوستان آن بشمار می آیند از آنجاکه نمیخواهند نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم سرنگون گردد نمیتوانند در این مبارزات جانب توده ها را بگیرند. از اینرو این روزها از تعمیق مبارزات ضد امپریالیستی توده های بپا خواسته ایران بوحشت افتاده اند و باز هم از کانال همان حزب با استفاده از احساسات پاک مذهبی مردم دست به توطئه زده اند و تلاش می نمایند که با درگیری و اغتشاش در رقم و تیریز و هر جای دیگری که بتوانند جهت اصلی مبارزات را منحرف سازند. کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری اینگونه توطئه ها و درگیری ها را که باعث به انحراف کشاندن مسیر اصلی مبارزه و محکم شدن جای پای سازشکاران که به کرات اثرات خیانت آنان را به ملت مستعبدیده ایران دیده است بشدت محکوم کرده و از معلمان و دانش آموزان مسئول و مبارز میخواهد که در افشای هر چه بیشترین حرکت های ضد انقلابی و ارتقاء آگاهی توده ها بکوشند تا بود یاد توطئه ها سازشکاران و فرصت طلبان — مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرگردی امپریالیسم آمریکا و وابستگانش

کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری

۱۳۵۸/۱۰/۱۶

کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری

ریشه های اصلی بیکاری را قطع کنیم

یکی از مسائل حاد و بحرانی اجتماع کنونی ما بیکاری است که گریبانگیر هزاران جوان فارغ التحصیل و طبقه زحمتکش است و محروم ایرانی است، روزی نیست که با صفا از بیکاران اعم از: کارگر، کشاورز، پیشه و رجوانان تحصیل کرده مواجه نباشیم. مسئله بیکاری بحدی رسیده که عدم توجه به آن وعدم برخورد اصولی با آن انقلاب مارا به سرنوشتی دردناک تهدید میکند.

بیکاری موجود در کشور ما ریشه در اقتصاد اجتماع ما دارد و همانگونه که همگان میدانیم اقتصاد ما عمیقاً به امپریالیزم وابسته است. پس بیکاری زائده ایست که اقتصاد امپریالیستی و وابسته به آن برای ما به ارمغان گذاشته و از بین بردن آن صرفاً "با مبارزه قاطع علیه این غول جهانخوار یعنی امپریالیزم امکان پذیر است. مصادره سرمایه های امپریالیستی به منظور رفع نابرابریهای اجتماعی افشاء و الغاء کلیه قراردادهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی با امپریالیسم، ایجاد کارهای تولیدی صنعتی و کشتا و رزی، به رسمیت شناختن شوراهای اتحادیه های واقعی و مردمی از جمله اقداماتیست که مبارزات ضد امپریالیستی توده ها را عمق میدهد و میتواند به بیکاری، فقر و یگرستمهای اجتماعی ما پایان دهد.

پس اگر می بینیم که جوانان و کارگران ما در گوشه و کنار دست به اعتصاب یا برپائی تظاهرات و تحصن میزنند باید بدانیم اینها همه معلولهای وضع خاص اقتصاد ماست که در جنگال امپریالیسم دست و پا میزند. این امپریالیزم است که گلوی اقتصاد کشور ما را گرفته و فشار می دهد. پس بجای اینکه اینگونه اعتصابات، تظاهرات و تحصن ها را محکوم کنیم و در مقابل آنها و علیه آنها صف آرائی کنیم بپایند همه با هم با امپریالیزم که عامل و باعث این همه بد بختی و فشار است مبارزه کنیم و علت اصلی را از بین ببریم تا بیکاری، فقر و مشکلات اجتماعیمان خود بخود مرتفع شوند.

اینک با توجه به همین مسئله است که کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری از خواستهای اصولی و برجسته فارغ التحصیلان بیکار متحصن در اداره کل آموزش و پرورش چهار محال و بختیاری پشتیبانی کرده و قاطعانه از مسئولین امر میخواهد که با توجه به خواستهای اصولی فارغ التحصیلان بیکار و ایجاد کار سازنده برای آنها گام مثبتی در جهت مبارزه ضد امپریالیستی توده ها و تداوم انقلاب بر دارند.

تحقق خواستهای اصولی فارغ التحصیلان بیکار و سایر زحمات کسان گامی است در جهت مبارزه با امپریالیسم.

پیش بسوی افشاء و لغو هرگونه وابستگی با امپریالیسم
کانون مستقل معلمان چهار محال و بختیاری

۱۳۵۸/۱۱/۷

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا

معلم ۲

بابا جان داد

معلم گفت "بابا آب داد ."

و من اندیشیدم

چه کسی بود که بابا را خواب داد ؟

معلم پرسید

"بابا با کدام (الف) نوشته میشود ؟"

بچه ها فریاد زدند

"با آی بی کلاه"

و من یادم آمد

بابا نیز کلاه نداشت

و از خود پرسیدم که بابا

در این زمستان سرد

چرا کلاه نداشت ؟

و چرا نباید کلاه داشته باشد ؟

دوباره فریاد معلم برخاست

"بابا نان داد"

و من اندیشیدم . آخرین بار کی بود

که بابا جان داد ؟

بابا کی پول داشت که نان بخرد ؟

معلم پرسید "چند جور (نون) داریم ؟"

بچه ها فریاد زدند "نون کوچک، نون بزرگ"

و من یادم آمد که نان سفره ما

همیشه کوچک بود

معلم فریاد زد

"دارا توپ دارد"

و من یادم آمد

دارا تانک نیز دارد

پول نیز دارد

هاتک نیز دارد .

و من می دانم که بابا

در زیر دست دارا

جان داد .

دارا اگر توپ و تانک دارد .

اسد داس دارد .

اسد اسب دارد .

اسد ایمان دارد .

ب - بهرنگ





اتحاد اتحاد علیه امپریالیسم